

مادیرگرمی توانیم زیر بار امریکای پرویم. امریکا اگر تمام افراد ما ازین برد دیگری نمی تواند به اینجایاید و منافع خود را تأمین کند.

امام خمینی



وَلَا تَجْعَلْنَا كَمَا جَعَلْتُمْ سِوَا الْبُكْرِ فَاسْمُ الْعُلَمَاءِ بِكُلِّ لِسَانٍ بِكُلِّ لِسَانٍ عَلَيكُمْ سَلَامٌ

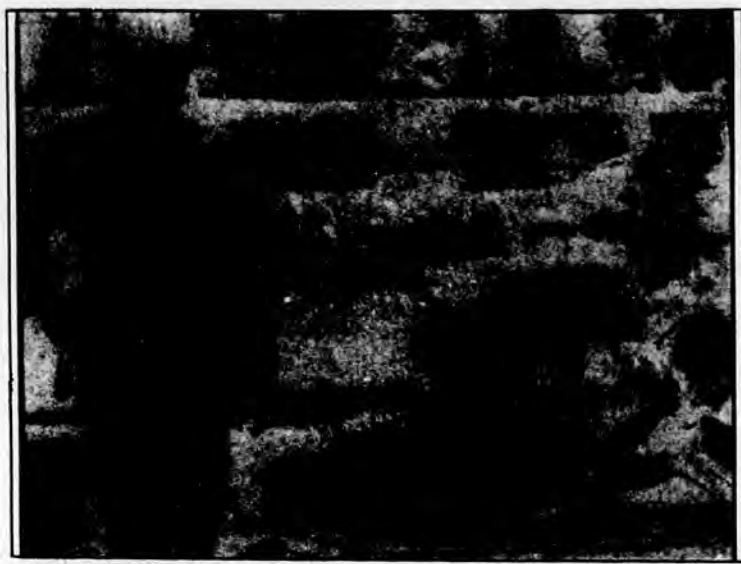
بیت المقدس جزه لاینفک فلسطین است،  
وفلسطین، جزه لاینفک کشورهای عربی و  
جهان اسلام، بس اعراب و مسلمانان حق  
مسامحه در این مورد راندارند.

### نشریه جنبش مسلمانان مبارز

چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۹ سال دوم شماره ۶۸

۲۰ ریال

## هجوم وحشیانه پلیس امریکا به دانشجویان مسلمان



هفته گذشته، پلیس امریکا، با حمله وحشانه خود به دانشجویان مسلمان بار دیگر شدت خشم خود را نسبت به انقلاب ایران، و شدت جنایاتش را نسبت به بشر نشان داد. شاید اگر با وقوع این حادثه ناگوار، بخواهیم جنایات امریکا را اثبات کنیم، بختا رفته باشیم، چراکه جنایات این خونخواران، آنچنان بازر است که نیازی به اثبات ندارد. میلیونها کشته و زخمی و معلول در سراسر جهان، در وینتام فلسطین، لبنان، کره، فیلیپین و... و حدود ۷۰ هزار کشته و ۱۰۰ هزار زخمی و معلول انقلاب اسلامی ایران، برگه از اوراق جنایت بار کتاب سیاه عملکرد امریکا است. اما بهر صورت وقوع آن، هشدار دیگری بود به آن کسانی که هنوز از قاطعانه رفتار کردن علیه امریکا میهراسند و حقارت و خود کم بینی شان نسبت به "درون" و "خود"، و بیانش غیر انقلابی، سازشکارانه و محافظه کارانه، آنان را به چنان روشی انداخته است که خود آگاه و ناخود آگاه ساز دشمنان را مینوازند. هشدار بود به آنان که هنوز در این اندیشه اند که امریکا بسه اشتباهاتش اعتراف نکند. و زنگ خطر دیگری بود برای آنان که دریابند امریکا تنها مصالح و منافع حکومت و سیستم سرمایه داری جهانی اش، برایش مهم و با ارزش است و همه چیز، حتی جان انسانها را نیز فدای آن مینماید.

این حمله وحشیانه بدنیاال تظاهراتی که از جانب دانشجویان مسلمان بقیه در صفحه ۲



تاریخ بیانگر این واقعیت است که هر قوم و ملتی که محرک و انگیزه هائی والا برای بقا و ادامه حیات در خود سراغ دارد و با دیدهای آکنده از امید، بوسعت رهایی تمامی سرزمینهای در بند ستم، به آینده می نگرند و به افق خوشترنگ آزادی خیره می شود، ناچار است و محکوم است که سراسر دوران حیاتش را در مبارزه سر کند، چرا که در آنجا که فقط یک راه در پیش روی انسانهاست، انتخاب معنی خود را از دست می دهد، زیرا تنها راه رؤیت مشوق مبارزه است و پیگار، بویزه در آنجا که بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

## چگونه میشود جلوی تکرار تاریخ را گرفت؟

از دیدگاه امام خمینی اصلت دارند و در مبارزه حق و باطل، عامل سرنوشت است، وضعیت و شرایط جبهه حق است و ضعف و قدرت جبهه باطل.

از هنگامی که اغتشاشات و کشمکشهای داخلی، وحدت و آرامش جبهه انقلاب را در برابر دشمن برهم زد برای کسانی که تجربه کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را بیش چشم داشتند، نگرانی نسبت به تکرار جنان حادثه های پدید آمد. زیرا بعضی از اساسی ترین زمینه های کودتا در شرایط بعد از انقلاب مشاهده میگردند. کف بی در پی توطئه های کودتا در ارتش نیز بر این نگرانی می افزود، آخرین نوطه بدلیل گستردگی ابعاد آن سبب شد که همه دوباره از زمینه های کودتا بگویند و بنویسند و افراد یا گروههایی که در گیر کشمکش با رقبای خود بودند، هر کدام دیگری را زمینه ساز کودتا معرفی کنند. عواملی که به عنوان زمینه کودتا معرفی می شود، کاملاً به سیاست و خط مشی و سلیقه گوینده و نویسنده بستگی داشت. به ندرت کسانی دور از هذفتها و سلیقه های شخصی، ریشه ها و زمینه های کودتا را همانگونه که هستند، توصیف و تشریح کردند.

اگر قرار باشد تجربه تاریخی نهضت ملی و کودتای مرداد ۳۲ را آینه بررسی شرایط برای قرار دهیم و بکک آن ریشه های بحران و زمینه های خطر را شناسایی کنیم، ابتدا باید علل اصلی شکست نهضت ملی و پیروزی استعمارگران را در سال ۳۲ فهرست وار جلوی چشم قرار دهیم:

واضح است که هر محقق ممکن است یک سلسله از علل و عوامل را زمینه ساز کودتا ذکر کند. این تفاوت ها مربوط به اختلاف در دیدگاه اجتماعی و تاریخی گوینده ها و نویسنده هاست. از جمله بسته به اینکه در پیروزی یا شکست یک نهضت کدامیک از عوامل، داخلی یا خارجی را اصلی فرض کنیم، به نتایجی متفاوتی خواهیم رسید. کسانی که معمولاً "به عامل خارجی در پیدایش و رشد و پیروزی یا شکست نهضتها اتکا دارند و اصالت میدهند، تضاد بین استعمارگران و بحران جهانی و تغییر سیاست خارجی آنان را زمینه بروز قیامها دانسته و توافق و وحدت مجدد آنان را عامل بازدارنده مبارزات خلقها می شمارند. از دیدگاه این افراد، تضاد امریکا و انگلیس بر سر ایران و تحایل امریکا به گرفتن سهمی از نفت ایران و تسلط بر کشور، نهضت ملی و مبارزه برای ملی کردن نفت را پدید آورد و حمایت امریکا از مصدق پیروزیهای اولیه را نصیب ایران کرد و چون مصدق نتوانست رضایت امریکائیان را جلب کند و از تضاد انگلیس و امریکا بخوبی استفاده نماید و آندو در دشمنی با نهضت ملی متحد و متفق شدند، کودتای ۲۸ مرداد انجام گرفت و ماشکست خوردیم. این افراد عوامل داخلی را یا نمی بینند یا فرعی و ثانوی می شمارند.

اما از دیدگاه ما که عوامل داخلی اصالت دارند و در مبارزه حق و باطل عامل سرنوشت ساز وضعیت و شرایط جبهه حق است، نه ضعف و قدرت جبهه باطل. علل اصلی شکست نهضت ملی را در شرایط داخلی جستجو میکنیم و عوامل و شرایط خارجی را زمینه ساز کودتا یا جزو عوامل مساعد کننده می شماریم. در یک بررسی و نگاه کوتاه چند عامل اصلی در این جریان دخالت دارند. و عواملی از این نوعند که اگر تکرار شوند، میتوانند حوادث مشابهی را بوجود آورده انقلاب ما را در معرض شکست قرار دهند.

بقیه در صفحه ۲

## روز قدس، روز گسترش حکومت اسلامی

قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است، روز حکومت اسلامی است.

سلام بر قدس، درود بر قبله شرق، برینجرهای که همواره راه آزادی را گشوده است. سرزمینی که پیامبران آنرا منطقه آغاز قرار داده، و خداوند آنرا شاهدی عینی برای شهادت هر آنچه در کتابهای آسمانی آمده، برگزیده است. قدس راهی بس طولانی پیموده، از میان سالهای سال استعمار، راهی از شعله لرزان ستمی در محراب، تا امید شفا یافتن به زینتی مقدس. و از آن اولین فلسطینی، مسیح، که بپاخاست و قدس را شکوه بخشید تا صلاح الدین که به عمارت دوباره اش همت گماشت، همگی باقیامشان سرافرازی قدس را به ارفغان آوردند. و آخرین آهنگ قدس، ندای الله اکبری بود که در ۱۵ سال پیش برخاست، تا به جهانیان اعلام کند، مادامیکه تفنگهای صهیونیستها به مناره های قدس، همچون خنجر آخته، برگردنگاه آدمیان حمله میبرند، و تازمانیکه ناقوسهای قدس، همچون گنجشکهای بدار آویخته بر خورد میبزنند. جهان لحظهای روی آرامش ندیده و پوشش اطمینان بر خود نخواهد داشت. و لذت شنیدن سرود صلح را نخواهد چشید، مگر زمانیکه قدس رویه خورشید، از خواب بر خیزد و سرودهای رهایی و درودهای صلوات در قدس طنین اندازد.

بقیه در صفحه ۳

## سخنرانی

پیچیدگی شرایط اجتماعی آنچنان است که تنها یک مبارز مکتبی، که مسلح به معیارهای مکتب است، قادر خواهد بود با حضور فعال، در صحنه راه صحیح را از سقیم تمیز دهد. از این رو فراگیری معیارهای مکتب و شناخت اسوه های پرورده مکتب، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. با برگزاری سخنرانی: دکتر پیمان تحت عنوان علی و انقلاب و برادر عباس زادگان تحت عنوان امامت و شورا به آموزش مکتب، و فراگیری روش مبارزه امام علی میپردازیم.

زمان سخنرانی دکتر پیمان: جمعه ۲۶ رمضان ساعت ۱۰ شب.

زمان سخنرانی برادر عباس زادگان: شنبه ۲۷ رمضان ساعت ۱۰ شب.

مکان: خیابان کالی - خیابان مخصوص - بیمارستان لقمان الدوله - دبیرستان شفق

بقیه در صفحه ۳

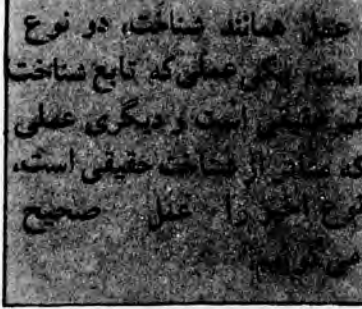
## مقوله های اساسی مکتب

مباحث ایدئولوژیک دکتر حبیب الله پیمان

می آورد، ضمن عمل و تجربیات تازه گام می کند، تصحیح نموده و توسعه میدهد. یک نکته مسلم است که آن نوع آگاهی - هائی مورد قبول و استاد قرار می گیرند که قابل تجربه برای همه افراد باشند، این خود یک خصوصیت معرفت علمی است. بقیه در صفحه ۱۱

## نظام تفتیش عقاید در مدارس کشور لکه سیاهی بردامان انقلاب اسلامی

سیاست های حاکم در آموزش و پرورش طی یکسال اخیر، گام بگام در جهت استقرار سیستمی کاملاً بیگانه با روح اسلام (فرمالیستی) و قشری از اسلام و مکتب - در پیش گرفته اند و عملاً بجای آنکه هدف این وزارتخانه که هدفشان اسلامی کردن



رابطه حقیقت و عمل

گفتیم شناخت یک تجربه است، یعنی زائیده عمل متقابل ذهن با محیط یا واقعیت است. بنابراین تا ذهن در رابطه عملی با واقعیتها قرار نگیرد، شناختی نسبت به آنها بدست نمی آورد. این رابطه در ابتدا



# روز قدس روز گسترش حکومت اسلامی

می‌آید، تا آن مادری که رنج دوری فرزند و درد طاقت فرسای از دست دادن او را تحمل میکند، و تا آن زندانی اسیری که زندانبانان با کوله باری از تجربیات تاریخ درخشان، رخسار و پوست بدنش را سیاه و کبود میکند، همه در یک اندیشه‌اند، و آن اینکه روزی در آستان پاک آزادی زانو به زمین زده و بوسه بر خاک رسته از جنگال صهیونیستها و امپریالیستها بنشینند این دلپاکان آزادی، برای شرف فلسطین می‌جنگند و با جنگو دندان دشمن را بمبارزه می‌طلبند و از خدا سه موه‌مان بشارت باد که پیروزی از آنانست. مانیز نوبدشان میدهم و یاریشان میکنم.

**دورنمای آرزوهای صهیونیسم، بچک آوردن تمامی کشورهای عربی، تحقق بخشیدن به آرزوهای صهیونیسم، در کنترل کشوری از فزات نابل است، که پایتخت آن بیت المقدس باشد**

و قلبها را آکنده از عشق او میگردد، که، فلسطین و قدس نه سرزمین فلسطینی‌ها بل سرزمین همهٔ ماست. امام این اسوه آزادی نیز، سال پیش، ندای جدال با ستمگران و مستکبران سر دادند و فلسطین و قدس را، بیوندی عمیق بخشیدند با انقلاب ایران و با آزادی تمامی ملل مستضعف. فلسطین نیست، روز اسلام است، روز حکومت اسلامی است. آنان که شدت بیوستگی سرنوشت مبارزهٔ فلسطین و مبارزات آزادیبخش منطقه و جهان را می‌دانند، بخوبی معنای این کلام را باید درک کنند، که روز قدس، روز تبیین سرنوشت مستضعفین است، و روز مقابله با مستکبرین میباشد. بویژه که در این سال، ابر سیاه صهیونیسم نژاد پرست، بر خورشید بیت المقدس فروانده و نور حرکت بخش آنرا در سیاهی بنیان ساخته است. سرزمین قدس، و شهر بیت المقدس حورشید تابانی است که قدمت بسیار دارد نامش و یادش، یادآور یادآورانی بیگارگر و دلاور و یادآور فرهنگ فلسطین. شاید دشمن در این اندیشه است که سایه سیاه حکومت اسرائیل را برخوردن سرزمینهای اسلام بپفکند، و پایه های لرزان حکومت توسعه طلبی را در خاک شهید پروری بیت المقدس، و بر اجساد شهیدان بناکند.

و قدس روزی است که ما ندای برادران و خواهرانمان را در بیت المقدس لبیک گفته، دعوتشان را اجابت نمودیم تا در صفی متحد با آنان، به نبرد با دشمن مشترک بشریت و انسانها و مستضعفین - امیر یالیم و صهیونیسم - بپردازیم. آخرین جمعهٔ رمضان، هم رز هم دردی با برادران سایر بلاد است (جمعه) و هم رمضان و قدر و تقدیر می‌باشد.

باید آنکه خداوند در راه آزادسازی قدس یاریمان کند اینک جای دارد که بمناسبت این روز، نگاهی گذرا و کوتاه به بیت المقدس داشته باشیم.

شاید کسی باور نکند که سرزمینی به این کوچکی، اینقدر در تاریخ نقش داشته باشد سرزمینی که در حد فاصل پایتخت های مصر و عراق واقع شده است، اما تاریخ بیت المقدس گویای این واقعیت است که، سوداگران بظاهر متمدن، که به خصلت درنده خوئی متصف هستند، تا چه حد برای نابودی آن، تلاش کرده‌اند.

تاریخ بیت المقدس، به پنج هزار سال قبل میرسد، هنگامی که گروهی از "بیوس" ها همراه با قبائل دیگر کنعانی، از جزیره العرب به سرزمین فلسطین کوچ کرده‌اند و در گوشای آن، شهری بنام "بیوس" بنا نهادند.

بعدها بیوس به نام اورسالم یعنی شهر صلح خوانده شد یهودیان امروز این شهر را اورشلیم میخوانند - بیوس هامت بسیاری در این سرزمین سکنی داشتند و حتی پس از اینکه این منطقه به دست عبرانیها افتاد، باز هم در آنجا بمزندگی ادامه دادند. در اواخر عهد بیوسیان، عبرانیها، به بخشهایی از فلسطین حمله ور شدند، ولی در مقابل یورش عبرانیها، بیش از ۲۰ سال مقاومت نمودند، بالاخره زمانی عبرانیها بر این سرزمین سلطه یافتند، تا اینکه مجدداً "بیوس" ها آنرا

بهدست آوردند. پس از آن مدتی تحت سلطهٔ ایرانیان و سپس تحت انقیاد یونان رومیان واقع شد. پس از فتح اورسالم، بوسیله نیروهای مسلمان در زمان خلیفه دوم، بحکم قداستی که قرآن دربارهٔ این سرزمین قائل شده است، و بعلت اینکه نخستین قبله مسلمانان در آنجا قرار داشت، مسلمانان نام آن شهر را بیت المقدس نامیدند و به ساختن و آباد کردن این شهر ویرانه پرداختند.

بیت المقدس، پس از اینکه مدتها در اختیار مسلمانان بود، در اثر حمله مسیحیان و ایجاد جنگهای صلیبی، به تسلط آنان درآمد و کشتارهای بسیاری در آن صورت گرفت. ساکنین بیت المقدس در ابتدا در برابر صلیبها بشدت مقاومت کردند اما صلیبها پیروز شده، پس از فتح بیت المقدس، تمامی اماکن شهر و خانه‌ها



**صهیونیسم در راه رسیدن به اهداف خود از جهت زینت و تلاش می‌نماید.**

۱. نابود ساختن فرهنگ فلسطین و تاریخ پر افتخار آن، و جایگزین ساختن فرهنگ صهیونیسم

۲. حفظ و گسترش منافع استراتژیک و اقتصادی و سوق الجیشی در منطقه.

و مسجدها را به آتش کشیدند و زنان و مردان و کودکان را به قتل رساندند. آنان در مسجد الاقصی نیز دست به کشتار دسته جمعی زده و آنرا به آتش کشیدند. صلاح الدین پس از کشتار و غارتی که صلیبها بر بیت المقدس راندند، بعنوان ناجی فلسطین، ظاهر شد و پس از فتح بیت المقدس شکست صلیبها به بنای مجدد اماکن و مساجد، و مسجد الاقصی و عمران و آبادی شهر پرداخت و بیت المقدس باز شکوه پیشین را یافت.

تاریخ اخیر بیت المقدس، با تهاجم دنیای غرب در قرن بیستم به خاور میانه، آغاز میشود. آن هنگام که انگلستان و فرانسه، در تلاش برای تقسیم و اشغال هر چه بیشتر سرزمینهای خاور میانه، به رقابت پرداخته بودند.

پس از جنگ جهانی اول و شکست دولت عثمانی از انگلستان، همزمان، دو جریان در فلسطین آغاز شد. یکی نهضت ناسیو نالیست عرب که خواهان آزادی سرزمینهای خود از اشغال بیگانگان بوده و دیگری حرکت صهیونیستی بود که در اندیشه اشغال فلسطین بسر میرود. بنیانگذار جریان اخیر، که یک جریان نژاد پرست و توسعه طلب بود، تئودور هرتزل میباشد که در اجلاسی که در شهر بال سوئیس تشکیل و حزب صهیونیسم رسماً پایه گذاری کردید، بقول خودش، پایه های تشکیل یک حکومت صهیونیستی را برای پنجاه سال آینده بنا نمود.

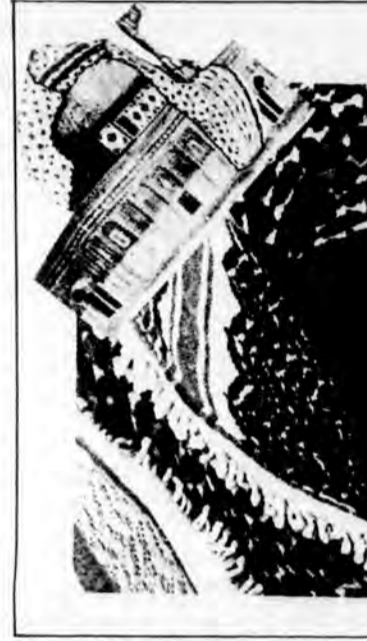
یهودیان مقیم فلسطین نیز، با پشتیبانی صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا و انگلیس، دولت اسرائیل را بوجود آوردند و اولین نمرهٔ چنین تلاشی تجاوزکارانه، آوارگی یک میلیون نفر مسلمان سرزمین فلسطین، و اسکان یهودیان اروپائی و امریکائی بجای آن بود. هرتزل گفته بود: "اگر روزی بیت المقدس را به جنگ

بدرفته است، بشمارش نمی آیند تنها یک نمونه از تجاوزات اسرائیل، جنگ ۶ روزهٔ در سال ۱۹۶۷ و اشغال سرزمینهای بیشتری از مصر سوریه و فلسطین بعنوان غنیمت جدید، از جمله اعمال صهیونیسم است. در این حملهٔ ناخوانمردانه، اسرائیل صدها خانه در اطراف مسجد الاقصی را ویران کرد و فلسطینی ها را آواره نمود، و مسلمانان را از حقوق حقهٔ خود نسبت به مسجد الاقصی محروم ساخت.

دیگر از وقایع تلخی که در سالهای اخیر، در بیت المقدس توسط صهیونیسم صورت گرفت است، آتش سوزی مسجد الاقصی است که در اثر آن خشم چهارصد میلیون مسلمان جهان برانگیخته شد، و بدنال آن، امپریالیسم و صهیونیسم برای سرپوش گذاشتن بر جنایات خویش، بفکر عمارت مجدد آن افتادند و شاه مخلوع نیز از جمله اول کسانی بود که مخارج تعمیر آن را تقبل کرد.

و بسیاری اعمال شیخ دیگر که در این زمینه انجام داده است. و بدین ترتیب از هنگام اشغال فلسطین، حکومت صهیونیسم برای انجام مقاصد خویش و بسط نفوذ امپریالیسم، همواره کوشیده است تا فراد

حفظ و گسترش منافع استراتژیک و اقتصادی



حق طلبانهٔ خلق فلسطین را که مانع و سد راه اوست، سرکوب کرده است. و اینک نیز قدس عزیز و بیت ما را پایتخت دائمی خویش میداند.

موجودیت اسرائیل، در بیت المقدس، به منزلهٔ تسلط او بر کرانهٔ غربی است، که از منطقه هراسا واقع در بالاترین قسمت که اردن تا سال ۱۹۶۷ بر آن حاکم بود، که تحت تصرف او قرار گرفته، و بدین ترتیب بر دریای میت و جنوب تسلط می‌یابد و از لحاظ استراتژیک تصرف بیت المقدس به منزلهٔ اشغال کرانهٔ غربی است، چنانچه

## نظام تفتیش عقاید در مدارس کشور

بقیه از صفحه ۱

اصولی خود را تغییر بنیادها و محتوای نظامی آموزشی و مواد درسی قرار دهند، به تحمیل عقیده و یکسان کردن فرمو حذف و اخراج همه کسانی پرداخته‌اند که بنحوی در چارچوب های تعیین شده و بخشنامه‌های ننگند.

بخشنامه‌هایی که برای قبول معلمان و محصلین تنظیم میشود، بطور آشکاری از یک شیوه بسیار ابتدائی تفتیش عقاید و تصفیه افراد، بخاطر عقیده گواهی میدهد. سؤال هایی از این قبیل که که کدام کتاب یا کدام نویسنده و متفکر (یا ذکر اسم و مشخصات) علاقمندی، و یا اخذ تعهد نامه از محصلین (محمل ابتدائی که هنوز قادر به خواندن و نوشتن نیست) مبنی بر خود داری از فعالیت های سیاسی چه معنایی در بر دارد، و چه تفاوتی با تعهد نامه‌های رژیم گذشته؟ آیا صحنه هایی از این نوع درخور انقلاب اسلامی است؟ در جواب پدر و مادری که میگویند هنوز فرزند ما قادر به نوشتن نیست، چه تعهدی بسپاردهٔ جواب داده میشود؟ شما دستش را بگیرید و بنویسید بجایش امضاء کنید!!!

علاقمندی افراد و محصلین به این یا آن متفکر اسلامی ملاک پذیرش آنان در آموزش و پرورش است. بسیاری بخشنامه ها و دستورالعمل های صادره در مدارس بدون ارزیابی درست از واقعیت ها و بدون توجه به مصالح انقلاب و معیارهای مکتبی و

بیت المقدس که پایتخت فلسطین است، به اشغال اسرائیل درآید، میتوان تمامی فلسطین را اشغال نمود.

البته این اولیه توطئه صهیونیستی علیه بیت المقدس نیست، بلکه از همان ابتدای تشکیل اسرائیل، صهیونیستها در این اندیشه بوده‌اند که بیت المقدس را در تمامی زمینه ها نابود سازند و آنرا به منطقه‌ای سراپا یهودی مبدل سازند. و باز توطئه های اسرائیل، علیه بیت المقدس، بخشی از توطئه های صهیونیسم جهانی است، و در واقع دورنمای آرزوی صهیونیسم بجنگ آوردن تمامی کشورهای عربی و تحقق بخشیدن به آرزوهای صهیونیسم، در تشکیل کشوری از فزات تا نبل است، که پایتخت آن بیت المقدس باشد.

تلاش بیشتر اسرائیل پس از جنگ ۶۷، بعد از اشغال بیت المقدس، صورت گرفت تا این شهر را به یک شهر یهودی تبدیل کند. هدف این تلاش، افزایش جمعیت یهود و ساختن معبد یهودی ها بر ویرانه های مسجد الاقصی بوده و میباشد. حال که حکومت صهیونیستی اسرائیل، با سود بردن از موقعیتی که بلحاظ حمایت امپریالیسم، و باوجود سران مرتجع منطقه دارد، موقعیت نامناسب دیده است، تا به این تجاوز آشکار بپردازد.

بدیهی است که این عمل ضربه جبران ناپذیری به انقلاب فلسطین است و لذا ما بوظیفه با حرکتی نمریخس با تمام امکانات خویش به حمایت ملت فلسطین بپردازیم. و بر همهٔ ملل اسلامی و عرب است که تسلیم راه حل های سازشکارانه نشوند. چرا که درغیر اینصورت فلسطین دیگر اصلی خویش را نخواهد داشت.

بی تفاوتی و مسامحه کاری در مسئله فلسطین ارزشهای انسانی این سامان را مورد تهدید قرار میدهد.

بیت المقدس جز لاینفک فلسطین است و فلسطین جز لاینفک کشورهای عربی و جهان اسلام، پس اعراب و مسلمانان حق مسامحه در این مورد راندارند.

اکنون که سالروز همبستگی انقلاب ایران و همهٔ مستضعفان جهان بامبارزهٔ فلسطین است، بقول امام، "باید به همه ابر - قدرتها هشدار داد که دست خود را از روی فلسطین بردارند، و سرچای خود بنشینند اسرائیل دشمن بشریت و دشمن انسان است، و هر روز غائله ایجاد میکند و برادرهای ما را در جنوب لبنان به آتش میکشد، اسرائیل باید بداند که دیگر اربابهای او رنگی ندارند و در دنیا باید انزوا اختیار کنند، طمع ها را باید از ایران قطع کنند، دستهای آنها باید از تمام ممالک اسلامی کنار برود."

زیرا امروز، روز اسلام و حکومت اسلامی و حاکمیت مستضعفین است، و باید که برچم بر افتخار فلسطین و اسلام، بر همهٔ سرزمینهای اشغالی، به خصوص بیت المقدس و مسجد الاقصی، به اهتزاز درآید. و باید روزی که همهٔ مسلمانان جهان، در برابر نخستین قبله گاه خویش بسجدهٔ خالق بنشینند.

انقلاب نفوذ کرده و بیشش قشری و غیر مکتبی و ضدانقلابی خود را در همه جا حاکم میسازد.

آنروزها بسیاری از جوانان مسلمانی که در پوشش برنامه های انحرافی این جریان ارتجاعی قرار گرفتند، دستورالعمل های آنانرا زیر پانهاده، به صف مبارزان انقلابی خلق پیوستند، و جنبش توده‌ها، برهبری امام را تأیید و حمایت نمودند. بدون تردید امروز هم جوانان مسلمان ما فریب آنانرا نخواهند خورد.

ما از آن عده از مسئولان وزارت آموزش و پرورش که سابقهٔ مبارزه فاطم و بیوسه با رژیم دارند همیشه این نوع طرز فکر و سیاست ها را محکوم میکردند، در شگفتیم که چرا اجازه میدهند آموزش و پرورش میدان عمل این نحوه تفکر قرار گیرد. چرا در برابر این نوع تفتیش عقاید رسوا سکوت کرده‌اند؟ آیا این سیاست ها و بخشنامه ها و مقررات تسنجیده سخت ترین ضربه را بر حقیقت انقلاب و مکتب وارد نمیکند؟ آیا انقلاب را تدریجاً از یاری و سیلماهی در دست های فرصت طلبان و قشری برای تحکیم موقعیت خویش قرار نمیدهند؟

## تابرقراری جامعه بی طبقه توحیدی، انقلاب اسلامی ادامه دارد

# کارخانه دیسمان

## گزارشی از روستای شنبه

سازندگی در منطقه نموده‌اند، کارشکی نموده و در نکات نامهای که برای استاندار فرستاده آنان را متهم به کمونیست بودن نموده است و تعدادی از آبادی وی نیز زیر برکه را امضا کرده‌اند و یکی دیگر از توطئه های آنان حمله به مقر جهاد بود که با آمدن پاسداران به منطقه، آنجا را تخلیه کردند. ولی بار دیگر در دادستانی انقلاب متحن شدند و توطئه قبلی خود را بی‌گیری نمودند. در مواجهه با افراد جهاد به آنها حمله‌ور شده و چند تن را مجروح ساختند.

آنگون به عهده مسئولین است که با تقویت نهادهای مردمی و مبارزه قاطع با فئودالیسم و خان‌خانی، خواسته نموده محروم روستایی را فراهم سازد و چهره انقلاب اسلامی را لکه‌دار ننماید.

روستاهای جنوب کشورمان نیز از بسیار روستاهای ایرانند که سالها رنج و ستم و فقر و بدبختی را با تمام وجود لمس نموده‌اند و از میان این بسیار روستاها یکی نیز روستای شنبه است.

روستای شنبه در جنوب خورموج واقع شده است. محصولات این روستا را بیشتر خرما، کدوم و جو تشکیل می‌دهد اما کشت پیاز، گوجه‌فرنگی و سبزیجات نیز در این روستا صورت می‌گیرد. زمین‌های زیر کشت بوسیله یاریاب (نهرآب) آبیاری می‌شود. مانند بیشتر روستا و ده در ایران سالیانه فئودال‌ها و خوانین بر این روستا حکمفرمای می‌کرده‌اند. یکی از خانهای این منطقه در این روستا دارای زمین‌های زیاد و یاریاب و درختان خرما میباشد. وی که سهراب‌خان منصوری نام دارد، در کار عده‌ای از جوانان که اقدام به تاسیس جهاد

خرید مواد اولیه نموده، در اسرع وقت با امید و ایمان فراوان شروع بکار کردند.

در هفته اول بدون حضور کارفرما، خود کارگران با اتحاد و یکپارچگی، تحت نظارت شورا به امر تولید و حفاظت و نگهداری از کارخانه پرداختند. در مقابل عوامل کارفرما با شایعه پراکنی، سعی در تفرق کارگران داشته، کوشیدند کارخانه را به تعطیلی بکشانند.

بعد از چند روز شخصی از استانداری و یک نفر از اداره کار برای حل مسائل موجود به کارخانه می‌آیند و پیشنهاد ۱۵ روز تعطیلی کارخانه را برای حل اختلافات!! ارائه نمودند که با مخالفت جمعی کارگران و شورا روبرو شدند.

نماینده استانداری پس از یک هفته به تنهایی در برابر اقدامات و تلاشهای بی‌گرو و شمر کارگران و شورا، هیچگونه قدردانی نکرد، بلکه رای به محق بودن کارفرما داد!!!

در حالیکه پیاز شروع کار شورا تولید دو برابر شده (طبق آمار) این سؤال برای کارگران مطرح است که چرا علیرغم مشاهده این مسائل، دولت‌مردان هیچگونه دفاعی از شوراها نکرده به طرق مختلف کارفرما و سرمایه داران حمایت کرده، در جهت تضعیف شوراها گام برمی‌دارند. کارگران می پرسند:

چرا مسئولین نمیخواهند بفهمند که در ایران انقلاب شده؟! چرا از شوراها میترسند؟

چرا با سرمایه داران طوری رفتار شده که هنوز نتوانند به کارگران مثل کله گوسفند نگاه کرده و بخواهند همان چماقها را توسط کارفرما به سر کارگران بکوبند؟

چرا هر هنگام که صدای حق طلبی کارگران بلند میشود، همچون زمان طاغوت که آنان را خرابکار می‌نامیدند، اکنون نیز پس از انقلابی با هزاران شهید و چنان رهبری که حامی مستضعفان و ستمدیدگان و محرومان است، ضد انقلاب خوانده میشوند؟

کارگران ضمن لغو قانون کارخواستار تدوین قانونی شدند که توسط شوراها و از درون آنها بیرون آید، کارگران آمادگی خود را جهت بدل جان در راه اسلام و انقلاب و مبارزه با امپریالیسم جهانی برسر کردگی امریکا و پایگاههای داخلی اعلام داشتند.

پیروز باد مبارزات متشکل کارگران در شوراها بر علیه سرمایه داران

بررسی، نظرات خود را ارائه دهند. سرانجام در ۵ خرداد اسانامه بعد از اصلاحاتی به تصویب میرسد در ۶ خرداد طی انتخاباتی در حضور نمایندگان اداره کار، ۹ نفر اعضای شورا انتخاب میشوند.

با انتخاب اعضای شورا و شروع کار آنان، سهامداران و کارفرما به طرق گوناگون سعی در تضعیف و انحلال شورا داشته. مخالفتها و کارشکیها و سنگ اندازیها هر روز گسترده میشود تا اینکه بر اثر نرسیدن مواد کارخانه در ۲۷ خرداد از کار می‌افتد. در ۲۸ خرداد جهت به زانو درآوردن کارگران و شورا، ۳۵ تن سیمان خریداری شده برای کارخانه به شرکتدی - پارک وی فرستاده میشود. (سند آن موجود است). و درنهایت برخوردها کارفرما برای مقابله با کارگران باجماقی قانون کار وارد شده هر کجا لازم دیده، صحبت از اطاعت از قانون و پایبندی بدان بمیدان می‌آورده و هنوز هم این روش ادامه دارد.

در ۲۹ خرداد، کارگران مجمعی تشکیل داده از خزائی (کارفرما) هم جهت حضور در آن جلسه دعوت بعمل می‌آورند، ولی ایشان با طرح اینکه: توطئه است، کارخانه را ترک کرده در جلسه حضوری نیاید. کارگران هم طبق قطعنامه‌ای از ورود او به کارخانه جلوگیری بعمل می‌آورند. بعضی از مفاد قطعنامه بدین قرار است:

۱- کارفرما موظف است مواد اولیه مورد نیاز کارخانه را در اسرع وقت تهیه و نسبت به راه اندازی آن اقدام نماید، بدیهی است در غیر اینصورت شورا خود را موظف به انجام اقدامات لازم میداند.

۲- ما خواستار اجرای مواد اسانامه شورای اسلامی منتخب خود مخصوصاً در مورد نظارت کنترل بر امور کارخانه، از قبیل - اخراج، استخدام، قراردادهای مبلغ صورت وضعیت ها هستیم.

۳- از آنجائی که توطئه کارفرما و بخصوص عامل اصلی آن رئیس کارخانه برای همه کارگران مشخص گردیده، خواستار این هستیم که از ورود مدیر کارخانه مهندس خزائی از روز شنبه ۵۹/۳/۳۱ تا تعیین تکلیف وضعیت مدیریت شرکت... جلوگیری بعمل آید.

۴- ما خواستار اخراج کلیه نمایندگان مزدور و کارفرما از کارخانه و کارگاه هستیم. بدنبال نیامدن خزائی، عوامل کارفرما هم از حضور در کارخانه خودداری کردند.

کارگران متشکل و هماهنگ هر کدام هر چه داشتند در اختیار شورا قرار دادند. با بولی که از این طریق فراهم شد اقدام به

از عمده ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران، حاکمیت توده های مستضعف و تحت ستم، بر سرنوشت خودشان بوده و میباشد، اینکه مردم خود برای خود تصمیم بگیرند و در زندگی خویش، خود را صاحب اختیار بدانند، خواست میلیونها مردمی است که سالیان دراز این حق مسلم را از آنها گرفتارند.

از جمله کارگران، که از کسانی هستند که سالیان دراز در سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم از حقوق انسانی خویش محروم بوده‌اند، این اندیشه و آرزو را دارند که خود تصمیم گیرنده بر امور خویش باشند.

واضح است که راه اعمال حق حاکمیت کارگران، تشکیل شوراها میباشد. و این حق انقلابی و اسلامی آنانست اما جای بسیار تأسف است که مسئولان و دست اندرکاران با این نهادهای انقلابی، از ابتدا به مقابله پرداخته، و به بهانه عدم انجام کارهای کارخانجات، از تشکیل شوراها جلو گیری نموده و یا پیاز تشکیل آن به کارشکی پرداختند.

در این میان، قانون کار نیز خود مانعی بر بقیه، مانع دیگر افزوده و کار کارگران را دشوارتر نموده است. در گزارشی که از کارخانه دیسمان در زیر می‌آید، این واقعیت بخوبی بیان شده است.

بنام خدا

کارگران: چرا مسئولین از شوراها میترسند؟

کارخانه دیسمان که تولید آن بناهای پیش ساخته میباشد در ۱۹ کیلومتری جاده اصفهان - تهران واقع شده است. این کارخانه شامل دو قسمت تولید و نصب میباشد. و مواد اولیه مورد نیاز آن: سیمان - سیمان و میل گرد میباشد. کارخانه قبل از فروردین ۵۸ شروع بکار کرد، از همان اوایل به آنجا مختلف کارفرمایان و سرمایه داران شرکت به مخالفت با کارگران پرداخته بر علیه آنان دست بکار توطئه میشوند.

در اواسط فروردین از طرف کارگران ۵ نماینده موقت بعنوان هیئت مؤسس سندیکای کارخانه تعیین میشوند که تا ۱۷ تیر که سندیکا شروع بکار میکند به سرو سامان دادن به اوضاع مشغول میشوند.

در ۲۷ آذر ۵۸ بعثت خودداری سرمایه داران از پرداخت حق مسکن و بالا رفتن هزینه زندگی، کارگران دست به یک اعتصاب زده خواستار حق مسکن - بیمه -

وسایل ایمنی و ترسیم حقوق میشوند. عربشاهی (یکی از سهامداران شرکت) با مشاهده اوضاع طی تماسی با نمایندگان کارگران صحبت از برادری دوستی میکند و اینکه نباید ما باهم چنین رفتار کنیم و...

اما کارگران با بی‌گیری موقت به کسب امتیازاتی همچون حق مسکن و نیز وعده اضافه حقوق میشوند.

تلاش کارگران جهت رسیدن به حقوق مشروع خویش ادامه یافته تا در ۵ اسفند در جلسهای با حضور مدیران طی موافقتنامه‌ای قرار می‌شود سود ویژه درخواستی کارگران، برای سال ۵۸ پرداخته شود. البته در مقابل خواست کارگران که خواهان ۸۰/۰۰۰ ریال بودند، مبلغ ۵۳۱۲۵ ریال که در مقایسه با کارخانه‌های مشابه محاسبه گردیده بود به کارگران پرداخت میشود.

کارگران ضمن مبارزات خود دریافتند که تحقق خواسته‌های مشروع و کسب حاکمیت واقعی بر سرنوشتشان تنها بوسیله تشکل در شوراها و واقعی منبعث از خودشان امکان پذیر است، لذا در جمعی که تشکیل شد، شورای موقت تعیین شده که از وظایف اساسی آن، جمع آوری مقررات رای گیری برای یک شورای دائمی در فروردین بود.

قطعنامه‌ای شامل موارد زیر صادر کرد:

۱) کارمداوم وعدم تعطیلی. ۲) جلوگیری از خروج قطعات از کارخانه. ۳) حفاظت کارخانه توسط شورا. ۴) جلوگیری از خروج مدیریت از کارخانه.

سپس کارگران مانع خروج کارفرمایان شده، آنها را تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب در کارخانه نگه داشتند، پیاز آمدن سیاه آنان را به پاسداران تحویل میدهند.

پس از یکدوره درگیریها و کارشکیها، اسانامه شورا تدوین و در اختیار همه کارکنان قرار گرفته تا پس از یک هفته

## حمالت وحشیانه پلیس امریکا

بقیه از صفحه ۲

آنان بسیار وخیم شده است. اما باوجود این شرایط، دانشجویان زندانی از روحیه بسیار خوبی برخوردار بوده، و دائماً شعار "الله اکبر، خمینی رهبر" آنان در زندانها بگوش میرسد. آنان آنچنان از خود روحیه نشان داده‌اند که پلیس جلاد امریکا را به حیرت واداشته‌اند و حتی درخواست قرآن، که تنها خواست دانشجویان زندانی بوده، تعجب آنان را بیشتر نموده است. از طرف دیگر سایر دانشجویان مسلمان در جلوی گاج سفید به اعتصاب غذا دست زده و خواستار آزادی برادران وخواهران خود شده‌اند، و تا آزادی آنان اعلام اعتصاب غذا کرده‌اند.

اما پلیس امریکا و مقامات امریکائی بواسطه ماهیت جنایتکارشان، توجهی به این اعتراضات نداشته، و همچنان دانشجویان زندانی را تحت فشار و شکنجه قرار میدهد.

اما علاوه بر ماهیت ضد مردمی و ضد بشری حکومت امریکا و مقامات امریکائی، چند مسئله در سرکوب ناجوانمردانه دانشجویان بچشم میخورد که میتوانست انگیزه این عمل وحشیانه پلیس امریکا را نشان دهد.

برای روشنتر شدن آن، بشرح هر یک میپردازیم:

۱- آنچه مسلم است، این سرکوب وحشیانه، پس از کشته شدن عامل سرسپرده رژیم شاه، طباطبائی، که در جهت منافع امریکا خدمت!! میکرده است، صورت گرفته و نشاندهنده خشی است که دشمنان بشریت باز دست دادن یکی از

مهره های حامیشان پیدا کرده‌اند

۲- دانشجویان مسلمان ایران در خارج از کشور، چه در زمان رژیم شاه مخلوع و چه پس از انقلاب، همواره یکی از بلندگوهای جنبش انقلابی مردم ایران بوده و هستند. عمده ترین فعالیت های دانشجویان پس از سقوط رژیم شاه عبارت بوده از الف - شناساندن انقلاب اسلامی ایران به افکار عمومی جهان، بخصوص افکار عمومی اروپا و امریکا، ب - افشای جنایات شاه و ماهیت امپریالیسم امریکا و عملکرد جنایکارانه‌اش در ایران، که این افشاگریها هرگز بسو حکومت جهانخوار امریکا نمی‌باشد. و از اینرو، این جنایتکار قرن را بسیار خشمگین ساخته است. و ج - حرکت دانشجویان مسلمان در شناساندن اسلام و معرفی آن بعنوان یک ایدئولوژی رهائی بخش - و تا نیر آن بر جنبش سياهپوستان - امریکارا سخت بهراس افکنده، از این عمل نیز بسیار ناخشنود است، اینها بکمک عوامل دیگر سبب شده‌اند که حکومت امریکا چنین موضع بیشرمانه و خصمانه‌ای را نسبت به دانشجویان اتخاذ کند.

۳- حکومت امریکا حمایت از ضد انقلابیون ایران، نظیر زاهدی ها، طباطبائی ها، بختیارها و ساواکی ها و سایر کسانی که انقلاب ایران لطمه دیده‌اند را یکی از وظایف خود تلقی میکند، و از اینرو دفاع از آنان را در هر موقعیت و بهر وسیله ممکن ضرور می‌شمارد، چرا که اولاً آنان



## دست سرمایه داران، محترمان و واسطه‌ها را از بازار کوتاه کنید و آترابه شوراها را اسلامی تجارت و توزیع بسپارید.

میخواهند امریکا را بانصحت به سرعقل!!! آورند. شیوه های مسالمت آمیز در برخورد با امریکا محکوم به شکست است و نهایت در جهت اهداف امپریالیسم دارد. آنها که در اثر بیش غیر - لابی و غیر مکتبی و یا خصنهای طبقاتی از امریکا دفاع میکنند، و به قول و قرارهای مقامات امریکائی چشم میدوزند، باید بدانند که همان راهی را میروند که مورد نظر امپریالیسم امریکاست، چرا که امریکا هیچگاه به قرارهایشان جامعه عمل

نخواهد بوشاند و وضع بهمان منوال باقی میماند.

منا: سقانه مشاهده میشود، که مسئولین امر، در دولت وزارت امور خارجه، باز هم در این مورد عکس العمل قاطعی بعمل نیاورده و به روشهای محافظه کارانه و قول و قرارهای دیپلماتیک متوسل شده است

درست بر عکس مسئله گروگانها، که صدای مسئولین وزارت امور خارجه حتی در مورد کیفیت نگهداری آنها به آسمان جنایت پلیس امریکا و ضد انقلابیون فراری رسیده که به وضع شده است.

ما: مسئولین وزارت امور خارجه میخواهیم، همچنانکه برادران دانشجوی ما در امریکا خواستار شده‌اند، هر چه سریعتر عکس العمل قاطعی در مقابل این تجاوز ضد انسانی حکومت امریکا انجام دهند و در این رابطه از همه نوع امکانات تبلیغاتی خود برای افشای این جنایت امریکا در سراسر جهان استفاده نمایند. امریکا آنچنان به دانشجویان ما تجاوز و فشار اعمال داشته که هر عملش میتواند سندی برای افشای ماهیت ضد انسانی اش باشد آیا آنان که عمل گروگانگیری را غیر اسلامی خواندند و

بقیه در صفحه ۱۲

مردم محروم و زحمتکش، در آتش سود جوئی سرمایه داران محترک و سود جو می سوزند.

# چگونه مطالعه کنیم؟

## ویژه دانش آموز

با توجه به حجم رو به افزایش مقالات و کتابهایی که به چاپ میرسند، از آنجا که دیدن و خواندن مطالعه نمودن بسیاری از آنها ضرورت حتمی دارد، تذکر نکاتی را در چگونگی مطالعه و نحوه خواندن کتابها و مقالات، خالی از فایده ندیدیم. این نکات که حاصل تجربیات ما در مطالعه و با استفاده از مطالب دیگران جمع بندی، منظم و کاملا فشرده شده است، تنها در هنگام بکار بردنشان، نتایج مثبت و مفید خود را آشکار خواهند ساخت. لذا خواندن مجرد را برای درک عمیق آنها کافی ندانسته و تلاش در جهت عملی کردن این رهنمودها را ضروری میدانیم.

### الف - چه بخوانیم؟

۱ - انتخاب کتابی باید برحسب نیازهای فکری و مسائل مبتلا به فرد صورت بگیرد، ابتدا باید سئوالی در ذهن داشت و بعد برای یافتن پاسخ آن سراغ کتاب رفت. با کتاب باید جستجوگرانه برخورد کرد و در آن دنبال مطلبی مشخص نگشت. مثلا "ممکن است این سئوال در ذهن شما مطرح باشد که: چرا انقلاب روی مدهد؟ چرا در جامعه فقر و نابرابری و ظلم وجود دارد؟ چگونه اسلام میتواند مستضعفین را نجات بدهد؟ و یا این سئوال که شورا چیست وجه مزیتی بر نظام مدیریت فردی دارد؟ و غیره در این صورت شما دنبال کتابهای خاصی خواهید رفت که پاسخ شما را در خود دارند. به عبارت دیگر باید مطالعه میکنند؟ از خواندن این کتاب انتظار دارید چه چیز برایتان روشن شود؟ و یائیکه مطالب آن گره گشای کدامیک از

مسئلات سیاست همواره پاسخ روس و دوتیمی داشته باشید.

بهرتر است ابتدا برای خودتان روشی کنید سئوالی که در ذهن شما جای گرفته از کدامیک از مقوله های سیاسی، تاریخی، اقتصادی، فلسفی و... است، هر چند ممکن است یکسئوال ایجاد و جنبه های متعدد داشته باشد در این صورت هم بهتر است بعد و جنبه اصلی وغالب را مشخص نمائید، پس از طی این مرحله شما مرحله انتخاب کتاب میرسید در این مرحله باید بنکات زیر توجه کنید.

الف - موضوع کتاب انتخاب شده باجنبه غالب مسئله مورد نظر شما هماهنگ باشد.

ب - کتاب انتخاب شده با آگاهیها و بینش و اطلاعات شما در مقطع کنونی مناسب باشد عبارت دیگر مثلا "شما برای یافتن پاسخ یک سئوال تاریخی در هر مرحله از زندگی خود به کتاب تاریخی مناسب آن مرحله مراجعه خواهید کرد و در همین جا ضرورت در اختیار داشتن فهرست سیرمطالعاتی در زمینه های مختلف روشن میشود.

ج - بهتر است از همان ابتدا اهمیت و نقش سئوالی را که در ذهن دارید ارزیابی کنید و براساس این ارزیابی خود را آماده جستجو و یافتن پاسخ بنمائید مثلا "شما میخواهید بدانید که فرمان شروطیت در چه تاریخی و با چه محتوایی صادر شده است در اینصورت کافی است به کتاب مراجعه و پاسخ سئوال خود را دریابید در این صورت شما در حقیقت دنبال مطلبی بودید که در تاریخ نقل شده و نیازی به تجزیه وتحلیل و جمع بندی ندارد اما اگر سئوال شما درباره مثلا "نقش زنان در نهضت مشروطه بود باید خود را آماده

مطالعه و بحث بیشتر سازید و از سبب آندستی بپرهیز کنید.

د - ممکن است در هنگام مطالعه سئوالهای جدیدی در ذهن شما ایجاد شود که بهتر است بیشتر به سئوالهایی که در رابطه با مسئله اصلی ذهن شماست توجه کنید و از تشتت و براکتدگی ذهنی بپرهیز نمائید.

۲ - برای یافتن پاسخ یک یا چند سئوال ضروری نیست که حتما "همه تفصول و مطالب یک کتاب خوانده شود. در صورت لزوم میوان فقط قسمتی از یک کتاب را مطالعه کرد. بدین لحاظ کتاب را نباید یک کل بهم پیوسته و غیر قابل تجزیه به حساب آورد. حساب هر فصل سئوالند از دیگر تفصول کتاب، جدا باشد.

الته ممکن است تمام فصلهای کتابی در ارتباط نتوانند باهم باشند و شما الزاما برای رسیدن به نتیجه مجبور شوید همهی فصلها را با دقت مطالعه نمائید.

۳ - همچنین نباید مطالعه یک قسمت ضروری کتاب را به امید بدست آوردن فرصت و وقت کافی برای مطالعه همه کتاب، به "بعدها" موکول کرد. تجربه نشان داده است که این "بعدها" هرگز فرا نمیرسند. و اگر فرضا "بعدها" هم فرصتی دست بدهد، از دوباره خواندن آن بخت پشیمان نخواهید شد.

۴ - خوب فهمیدن و جذب کامل مطالب یک کتاب، به مراتب برخواندن سطحی دهها کتاب ترجیح و برتری دارد. تا کید شاهمیشه برکتبقت مطالعه باشد نه کبقت کتابهاییکه فقط خواندهاید. فراموش کنید که سطحی خواندن و نامل کافی روشی مطلب نکردن، قبل از آنکه چیزی را برایتان روشن کند، سردرگمی را افزایش خواهد داد.

### ب - چگونه مطالعه کنیم؟

۱ - کتاب مثل جنگل است. راه دارد، سیراها دارد. بدون وسیله و بدون مهارت و آشنایی، در آن کم خواهید شد. قبل از شروع مطالعه، یکی دو نگاه کلی به عکسها

در ادامه جو ناسالم فعلی استلحظه‌ای از دیدن در تئورفاقی افکنی باز نمی‌آیند، و شکفت‌آور آنکه بعضی محافل و جرائد که مدعی حرکت در خط امام و دفاع از مصلحت انقلاب و بایبندی به مکتب‌اند، سنگر این نوع تحریکات و حملات غیرمکتبی و نادرست قرار می‌گیرند.

درج نوشته‌ای که در آن، امت را وابسته به سارمانی که "بدست دشمن و برای مبارزه و به‌انزوا گشاده انقلاب" می‌داند، تاجه پایه با مسئولیتهای اسلامی و انقلابی سازگار است، کسانی که اجازه درج این مقاله‌ها، با آنان که اجازه به بخش آنرا از رادیو می‌دهند، با ادعای فوق‌رأید پرفته‌اند که در اینصورت بدلیل پیروی از جهل خود نزد خدا مسئولند و یا بی‌پایه بودن آنرا می‌دانند و با اینحال آنرا درج و نقل میکنند که در اینصورت بر مفرض بودن خود اعتراف کرده‌اند.

درتخصیص قدرت درک، و درجه صداقت نویسنده مقاله همین بس که می‌بینیم لیبرالیسم سازشکار را که دست دراز شده از سوی آمریکا را می‌فشارد، بجای روحانیت گذاشته (به جهل یا به غرض) و تصویر ضدانقلاب را که "یکدست اسلحه و یکدست شعار میدهد" بجای مردم به خورد خواننده و شنونده میدهد (باز هم به جهل و با غرض) که باید مطمئن بود چنین جهلی تنها از خصلت‌های غیرتوحیدی ناشی می‌شود. و باز هم بنحوی مضحکی نویسندگان امت را جوچه "ببرک‌کارمل دانسته‌است. راستی وقتی مسئولان آن جریده اجازه چاپ این مقاله را صادر میکردند نسبت به مسئولیت مذهبی و انقلابی خود آگاهی و هشیاری داشتند؟ یا نه نویسنده را می‌شناسیم و نه صاحبان جریده را. اما میدانیم که مدعی مسلمان هستند، حتی اگر مقالات و مواضع ما را درباره افغانستان خوانده یا از متن کامل مصاحبه با خبرنگاری تاس بی‌اطلاع باشند، بازهم چنین اظهارظری جز بر پایه سخافت فکر و حاکمیت خناس بر قلب توجیهی ندارند زیرا لااقل باید دلیلی هرچند ناچیز برای آن میداشتند.

شما مدعیان مسلمان و انقلابی از این سببایی‌ها و تهمت‌ها چه سودی عاید اسلام و انقلاب می‌کنید؟ آیا اگر شخصیت مورد نظر شما را از تمامی ابعاد وجودی بی‌عیب و نقص ندانستند، ضدانقلابی یا آنان‌عاری از هر خطا و اشتباه و ضعی هستند؟ اگر این نحوه برخورد نشانه سوءنیت نیست، پس دلیل چیست؟ آیا براسی موز انقلابی و ضدانقلابی نزد شما آنقدر محدودش‌است که به چنین قضاوتهایی می‌نشینید؟ ما از مسئولان جریده و رادیو و از همه ملت ایران تقاضا داریم یک بار دیگر اظهارنظر نویسنده مقاله را با دقت خوانده با مواضع امت و با آن طرحها مقایسه کنند تا نسبت به درجه اخلاص و بی‌غرضی و علم و فهم نویسنده آگاهی لازم را بدست آورند.

۳ - نوشتن خلاصه از مطالب مهم کتاب، کمک زیادی در تسلط بر محتوای کتاب میکند. اما خلاصه نویسی نباید بصورت باز نویسی جملات خود کتاب عینا باشد. حتی المقدور سعی کنید خودتان جملات دیگری برای بیان همان مطالب بسازید.

۴ - پس از به پایان بردن مطالعه همه مقاله، سعی کنید یک پاراگرافها را برنویسید بخاطر سبب یادآوری و یادگیری که اندیشه نویسنده طی کرده دریابید و همراه آن حرکت کنید. برای اساسی یک مقاله ده پاراگرافی را باید بنویسید بصورت ده بلبه درآورده، و روشی کنید که نویسنده از کجا شروع کرده و از چه طریقی و به کجا رسیده.

۵ - پس از مطالعه هر پاراگراف، هر بحث، هر فصل و بعد سراسر یک مقاله یک کتاب، باید مداوما "برای این سئوال که نویسنده چه سخاوت سکود، پاسخ کوتاه و صریح وگویا داشته باشد.

۶ - پس از مطالعه یک مقاله، باید بنویسید ۹۰٪ مطالب (نه جملات) آنرا بخاطر سبب یادآوری. اگر موفق شدید دوباره باید تلاش کنید.

۷ - پس از آنکه مطمئن شدید مقصود نویسنده را دریافتماید آنگاه بنویسید با طرح سئوالاتی از این قبیل که: آیا مولف درست میگوید؟ آیا ناقصی در حرفهایش وجود ندارد؟ آیا نتیجه گیریهایش با واقعیت تطبیق میکنند؟ آیا دیگران هم همین نظر را دارند؟ وغیره، صحت و سقم مطالب کتاب را مورد ارزیابی و قضاوت قرار دهید.

هم چنین ضمن مطالعه کتاب به جریان‌هایی که در ذهن شما بصورتهای زیر بوجود می‌آید توجه کنید.

الف - ضمن مطالعه به مطلب واستدلال و تجزیه وتحلیل جدیدی برمی خورید که قبلا نمی دانستید و شما این تجزیه وتحلیل را در حال حاضر می پذیرید.

ب - به مسائلی برمیخورید که قبلا میدانستید اما درحال حاضرهم هنوز صحت و سقم مطالب جدید برای شما روشن نیست ولی حداقل بصورت مسائلهائی برای شما مطرح میشود.

ج - مطالب و مسائلی که با آموخته‌ها و دانسته‌های شما مغایرت دارد و شما بر اندیشه واستدلال قبلی خود خط قرمزی بر کشید و اندیشه جدید را می پذیرید و یا بر صحت نظر قبلی خود تاکید کرده و سستی استدلال جدید را می شناسید، ممکن است شما بسادگی در حالت فوق نتوانید قضاوت کنید که در اینصورت به مطالعه و تفکر و بحث بیشتری نیاز خواهید داشت.

همچنانکه پیش از این ذکر شد، این نکات، فقط پس از کسب مهارت لازم و تمرین کافی میتوانند نتیجه بخش باشد. خواندن و حتی دانستن آنها ایدا "شما را به مقصود نمیرساند و بکار بستن آنها، مستلزم تلاش، دقت و تمرین کافی است. به عنوان نخستین گام، آنچه گفته شد را در مورد همین مقاله جدید اجرا کنید.

۲ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

۳ - مطالب مشخص آن مفید است. بخصوص باید فهرست کتاب را دقتا چند بار خوانده و مفهوم آن را در ذهن تصور کرد. تقسیم بندیهای آنرا مرور نموده و حتی آن ها را بخاطر سیرد. این کار مانند مشاهده یک شهر از بالاس کردی در شهر پس از آنکه منظره هوایی آنرا دیده باشید، از نظر سناسانی بسیار ساده تر و لذیخس تر خواهد بود.

۲ - هنگام مطالعه باید از کلمه به کلمه خواندن بپرهیز کرد اینکار هم سرعت مطالعه را کم میکند وهم قدرت فهم و درک مطلب را کاهش میدهد. کلمه به کلمه خواندن، دانه دانه برداشتن است. کلمه مانند سیم برق است. اگر جبهه لازم و ضروری است اما آنچه مهم است جریان برقی است که از درون سیمها میگذرد. در مطالعه نیز مساله مهم بیامی است که از خلال کلمات و بوسله آنها، به خواننده منتقل خواهد شد.

۳ - مقاله را باید پاراگرافی خواند. پس از آنکه یک پاراگراف را کامل خواندید. کجا مان فکر کنید. در یک نوشته خوب، هر پاراگراف حاوی یک مطلب کامل است. کافی است این مطلب را دریابید. هرگز در وسط یک جمله، یا در میان یک پاراگراف بر سر یک کلمه توقف نکنید، در برخورد با یک لغت مشکل، هیچگاه بازنگرید که جمله را از نو شروع نمائید. این کار علاوه بر آنکه خواننده را خسته و کسل میکند، حساسیت جسم و ذهن را نسبت به لغات و کلمات و مفاهیم آنها کاهش میدهد.

در نوشته های منظم، اصل مطلب معمولا درخستین و یا آخرین جمله بیان شده است. بقیه پاراگراف عموما توضیح این مطالب است.

۴ - پس از اتمام پاراگراف، سعی کنید، مطالب آنرا با کلمات دیگری در ذهن خود تکرار کنید و بخاطر سبب یادآوری. هر چه بتوانید شیره مطلب را فشرده تر کنید، در خاطر سپردن آن موفق تر خواهید بود.

۵ - سرعت خواندن را برحسب پیچیدگی و اهمیت مطلب باید تنظیم کنید. کند خواندن همانقدر به فهم و جذب مطلب لطمه میزند که زیادی سریع خواندن. با صدای بلند، هیچگاه کتاب نتوانید.

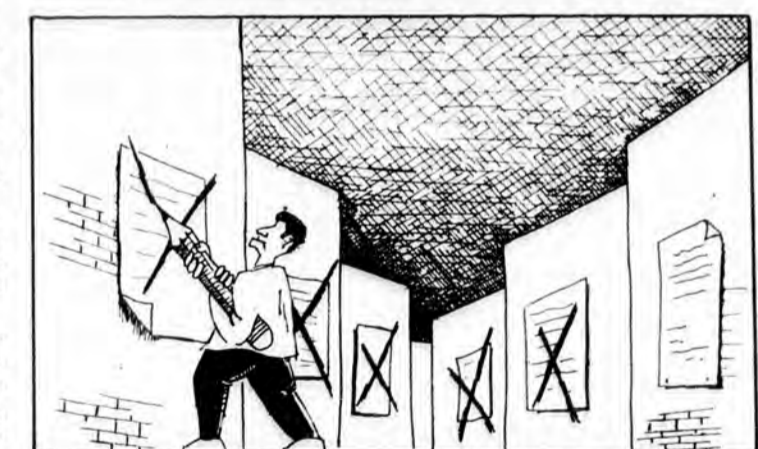
در ادامه جو ناسالم فعلی استلحظه‌ای از دیدن در تئورفاقی افکنی باز نمی‌آیند، و شکفت‌آور آنکه بعضی محافل و جرائد که مدعی حرکت در خط امام و دفاع از مصلحت انقلاب و بایبندی به مکتب‌اند، سنگر این نوع تحریکات و حملات غیرمکتبی و نادرست قرار می‌گیرند.

درج نوشته‌ای که در آن، امت را وابسته به سارمانی که "بدست دشمن و برای مبارزه و به‌انزوا گشاده انقلاب" می‌داند، تاجه پایه با مسئولیتهای اسلامی و انقلابی سازگار است، کسانی که اجازه درج این مقاله‌ها، با آنان که اجازه به بخش آنرا از رادیو می‌دهند، با ادعای فوق‌رأید پرفته‌اند که در اینصورت بدلیل پیروی از جهل خود نزد خدا مسئولند و یا بی‌پایه بودن آنرا می‌دانند و با اینحال آنرا درج و نقل میکنند که در اینصورت بر مفرض بودن خود اعتراف کرده‌اند.

درتخصیص قدرت درک، و درجه صداقت نویسنده مقاله همین بس که می‌بینیم لیبرالیسم سازشکار را که دست دراز شده از سوی آمریکا را می‌فشارد، بجای روحانیت گذاشته (به جهل یا به غرض) و تصویر ضدانقلاب را که "یکدست اسلحه و یکدست شعار میدهد" بجای مردم به خورد خواننده و شنونده میدهد (باز هم به جهل و با غرض) که باید مطمئن بود چنین جهلی تنها از خصلت‌های غیرتوحیدی ناشی می‌شود. و باز هم بنحوی مضحکی نویسندگان امت را جوچه "ببرک‌کارمل دانسته‌است. راستی وقتی مسئولان آن جریده اجازه چاپ این مقاله را صادر میکردند نسبت به مسئولیت مذهبی و انقلابی خود آگاهی و هشیاری داشتند؟ یا نه نویسنده را می‌شناسیم و نه صاحبان جریده را. اما میدانیم که مدعی مسلمان هستند، حتی اگر مقالات و مواضع ما را درباره افغانستان خوانده یا از متن کامل مصاحبه با خبرنگاری تاس بی‌اطلاع باشند، بازهم چنین اظهارظری جز بر پایه سخافت فکر و حاکمیت خناس بر قلب توجیهی ندارند زیرا لااقل باید دلیلی هرچند ناچیز برای آن میداشتند.

شما مدعیان مسلمان و انقلابی از این سببایی‌ها و تهمت‌ها چه سودی عاید اسلام و انقلاب می‌کنید؟ آیا اگر شخصیت مورد نظر شما را از تمامی ابعاد وجودی بی‌عیب و نقص ندانستند، ضدانقلابی یا آنان‌عاری از هر خطا و اشتباه و ضعی هستند؟ اگر این نحوه برخورد نشانه سوءنیت نیست، پس دلیل چیست؟ آیا براسی موز انقلابی و ضدانقلابی نزد شما آنقدر محدودش‌است که به چنین قضاوتهایی می‌نشینید؟ ما از مسئولان جریده و رادیو و از همه ملت ایران تقاضا داریم یک بار دیگر اظهارنظر نویسنده مقاله را با دقت خوانده با مواضع امت و با آن طرحها مقایسه کنند تا نسبت به درجه اخلاص و بی‌غرضی و علم و فهم نویسنده آگاهی لازم را بدست آورند.

## سیاست حذف و نان پختن در تئور احساسات ضد گروهی



انتقاد از دولت متهم و طرد شدند، در حالیکه امروز همه آن انتقادها را بدبختی‌ها و با شدت بیشتری از گذشته آنها را عنوان می‌کنند و با اینحال باز هم آن گروهها را محکوم می‌نمایند؟

پرسید: چه فکر می‌کنی، چه دلیلی برای مخالفت آنان وجود دارد؟ گفتیم: چندین منشا: برای آن میتوان جست. آن تعداد که مربوط به روش و سیاست بعضی گروههاست بجای خود بهانه و زمینه لازم برای رشد این احساس را پدید آورده است ولی فراموش نکن که جریانات و محافل واپس‌گرا و فرصت طلبان و انقلابیون بعد از انقلاب، برای آنکه دستشان باز نشود، ضمن آنکه خود را به مراکز قدرت نزدیک ساختند، با تشدید حملات و احساسات ضد گروهی چتر حفاظتی بر سر خود کشیدند تا ماهیت ارتجاعی و فرصت طلبانه و نفاق افکنانه‌شان فاش نشود. تفاوت این افراد با کسانی که از روی مصلحت انقلاب بر عمل بعضی گروهها کرده می‌گیرند، اینستکه جریان اخیر تفکیکی بین گروهها قائل نیست، همه را بیک جوب می‌راند، اشتباه و انحراف یکی را بهانه کوبیدن همه قرار می‌دهد. ماهیت این افراد برای افراد آگاه و مبارز روشن است. البته کم نیستند افراد ناآگاهی که فرصت و امکان تفکیک و تشخیص افتراقی بین گروهها و احزاب را ندارند. سیاست فعلی دایره بر حذف و طرد همه عناصری که صلاحیت آنان مورد تأیید بعضی مراکز قرار نمی‌گیرد، بنفع کیست؟ کم نیستند کسانی که تنها بجرم مطالعه نشریه امت از انجام خدمت به انقلاب در نهادهای محروم شده‌اند. کسانی که نفعشان

با دوستی که همیشه از حزب بازی بد

# ریشه‌های نارسائیهای مکتبی در روش شناخت جرمیت فکری و خودمطلق بینی و رابطه آن با روش شناخت

یکی دیگر از آثار عمیق روش‌ها یا مکتب‌های باصطلاح "علمی" سقوط در ورطه جرمیت (دگماتیسم) و خودمطلق بینی است. کسانی که در شناخت واقعیتها به روشهای علمی اصالت می‌دهند و طرز فکر و عقاید خود را بر این اساس علمی می‌خوانند، تصور میکنند استفاده از این عنوان کافی است تا آنچرا از این طریق بدست آورده‌اند، حقیقت محض تلقی کرده باورهای خود را صددرصد واقعی پندارند. بزعم این افراد، تنها آنچه از راه علم بدست می‌آید، واقعیت دارد و چون خود را مدعی پیروی از روش علمی میدانند، لذا می‌پندارند که حقایق و واقعیات مطلق در اختیار آنان میباشد. ایمان بی‌چون و چرا به صائب بودن روشهای علمی در کشف حقایق اجتماعی و تاریخی، سبب میشود تفکرات و برداشتهای خود را در این زمینهها صددرصد حقیقی پندارند.

مشی و روشهای مبارزه و رهبری که مدعی پیروی از آن روشهای مکتبی است، خطاناپذیر و مطلق می‌گردند. در نتیجه مشاهده میشود که جرمیت فلسفه زیربنائی حزب و سازمان به جرمیت رهبری و تشکیلات می‌گردد. تقدس علم به تقدیس اندیشه‌های سازمان و در نتیجه تقدس تشکیلات و رهبری سازمان می‌انجامد. رهبران این سازمانها چون خود را مجهز به فلسفه و روش شناخت علمی می‌دانند، حاضر نیستند احتمال کوچکترین خطایی را در خط مشی و شیوه‌های عمل بپذیرند. خطا ناشی از پندارها و شناخته‌های نادرست است، برای آنان که شناخت علمی دارند، خطامتصور نیست.

آنان مدعی‌اند که جامعه را بمانند یک پدیده شناخته شده "مادی، کالای" شناخته و قوانین آنرا بطریق تجربه علمی کشف کرده و اکنون بر مبنای آن قوانین ثابت علمی عمل می‌نمایند، از این رو تصور هیچ نوع خطا و انحرافی را به ذهن خود راه نمی‌دهند.

این تصور غلط به خطاناپذیری علم و در نتیجه خطاناپذیری سازمان، نوعی غرور و اعتماد کاذب پدید می‌آورد، که چون پایه آن بر واقعیتها استوار نیست، عملاً به دگماتیسم منجر می‌شود.

این سازمان‌ها که هرکدام مدعی در اختیار داشتن انحصاری روش علمی می‌باشند رهبری و سازمان خود را محور تشخیص حق از باطل می‌کنند، بگذریم از اینکه به تعداد سازمانهای بسیار متعدد، از این نوع روشهای علمی وجود دارد. اگر روش علمی یکی بیش نیست و اگر همه انواع سازمانهای مذکور از این روش پیروی می‌کنند، پس آنچه اختلاف در تحلیل‌ها و خط‌مشی‌ها، چگونه قابل توجیه است؟ البته هرکدام دیگران را متهم می‌کنند که روش علمی را نشناخته‌اند و اصول آنرا درست بکار نبرده‌اند. هرگز به این فکر نمی‌افتند که اینهمه اختلاف در برداشت و تحلیل و عمل، و آنچه تناقض و تغییر موضع در یک یک خطوط، خود بزرگترین دلیل بر عدم کارآئی و صحت روشهای بکار برده شده میباشد. چگونه است که دانشمندان یک رشته علمی در سراسر جهان، و متعلق به کشورها و ملت‌ها و مذاهبها و سلسله‌های مختلف وقتی همگی یک روش علمی را دنبال می‌کنند، به نتایج علمی و علمی مشابهی می‌رسند، ولی چند سازمان در یک جامعه و در یک مرحله از زمان، از یک روش علمی واحد پیروی می‌کنند، اما هرکدام بی‌کنتیجه خاص و کاملاً متفاوت و گاه متضاد با دیگری می‌رسند؟ و بالاتر آنکه یک سازمان واحد در حیات کوتاه خود، در تحلیل شرایط معین اجتماعی با استفاده از یک روش واحد علمی هربار به نتایج متفاوتی دست می‌یابد؟ - تاسف‌بار اینکه غرور کاذب و خودمطلق بینی به اندازه‌ای نفوذ کرده است که اجازه نمی‌دهد علیرغم اینهمه تناقض و اختلاف و اشتباه و خطا، کمترین تردیدی در صحت و مطلق بودن مبنای فکری خود بدل راه دهند. رهبری این نوع سازمانها این نحوه تفکر را به اعضا و هواداران خود منتقل می‌کنند. چنین تلقین می‌کنند که اولاً "تفکر سازمان تفکری است علمی و لذا خدشه‌ناپذیر و مطلق و عاری از هر ضعف و خطاست. ثانیاً" - رهبری مجهز به یک چنین تفکری در امر رهبری، و در اتخاذ موضع و تدوین خط مشی هرگز اشتباه نمی‌کند. ثالثاً" - تشکیلات و سازمان مبنی بر این تفکر "طبیعتاً" مصون از خطا است و چون حقیقت مطلق در تفکر و عملکرد سازمان و رهبری آن وجود دارد، همه امور باید با معیارهای سازمان سنجیده و قضاوت شوند. هر جریان فکری یا سیاسی دیگری به نسبت دوری و نزدیکی به سازمان، از حقایق کم یا زیاد بهره‌مند است. اصالت و مترقی بودن گروهها و احزاب و شخصیت‌ها را با توجه به توافق و همراهی آنان با سازمان و یا مخالفتشان با آن تشخیص داده، اگر سازمان مارکسیستی است، خود را مارکسیست ناب می‌داند و

دیگران را به نسبت نزدیکی‌شان به خط- مشی آن سازمان، برخوردار از تفکر مارکسیستی می‌شمارد و اگر اسلامی است، خود را صاحب تفکر توحیدی ناب می‌داند و دیگران را به نسبت دوری یا نزدیکی به سازمان برخوردار از تفکر توحیدی می‌شمارد. در این تلقی جزئی، هرکس توافقی و همراهی بیشتری با سازمان نشان داد، بیشتر توحیدی و بیشتر مترقی و انقلابی خوانده می‌شود و هر کس انتقاد بیشتری از سازمان داشت، از معیارهای فوق دورتر است.

مطلق گرفتن رهبری و تفکر سازمان این خطر را پدید می‌آورد که اعضا یا هواداران با بیشترین جرمی و یک بعدی به سبیل بنگرند. چون سازمان متوجه خود را دارای حقیقی ترین اندیشه‌ها و علمی ترین تفکرات و ناب ترین بینشها میدانند لذا: ( ۱ ) نیاز به مطالعه نوشته‌ها و افکار دیگران ندیده و هرگز پای سخن دیگری ننشینند مگر به دستور.

( ۲ ) نیازی به شک کردن و بازرسی مجدد نظریات سازمان احساس نکنند.

( ۳ ) با مخالفان کمتر با شیوه بحث مستدل و منطقی و بیشتر با شیوه شاری و برجسب زدن روبرو شوند.

( ۴ ) در مورد هر سالهای به صدور ساده دکلما پرداخته از تحلیل اجتناب ورزند.

( ۵ ) با افراد دیگر از موضع خود برتری و استکبار برخوردار کرده اندیشه بر خطا بودن به خود راه ندهند.

( ۶ ) سازمان و رهبری را مطلق و مقدس شمرده بی چون و چرا از آن تبعیت کنند و اجازه هیچ نوع انتقاد و سؤال ریشهای به خود ندهند.

( ۷ ) قضاوت خود را درباره افراد و جریانها دیگر بر اساس تحلیلی که صرفاً تابع قضاوت و دستورهای سازمانی است قرار دهند، و نیازی به بررسی و تحلیل مستقل موضوع احساس نکنند.

( ۸ ) با اعتقاد به اینکه سازمان قادر است پاسخ هر مسأله‌ای را بدرستی در اختیار بگذارد و درباره هر چیز و هرکس نظر صائب بدهد، لذا نیازی به بررسی و مطالعه مسائل و یا جستجو و کشف درباره افراد و گروههای دیگر نمی‌بینند. زیرا برای آنان کافی است که قضاوتها و مفاسد و بخشنامه‌های سازمان را عیناً تکرار کنند.

( ۹ ) اعتقاد به خطاناپذیر بودن تفکر و رهبری سازمان موجب میشود که لزومی به مطالعه عمیق تر مواضع احساس نگردد. به تکرار فرمولها و برجسب‌ها شعارها و نوشته‌ها عبارات اکتفا کنند - جرمیت مشابهی که در احزاب و جریانها واپس گرا و به اصطلاح "قشری مشاهده میشود، اگر چه خاستگاه متفاوتی دارد لکن از لحاظ عملکرد و نتایج و آثاری که در پیشرو رفتار افراد و پیروان خود بر جای می‌گذارد با جرمیت علمی فوق همگام است.

این دسته افکار خود را بردمک‌های فلسفه‌های کهن استوار می‌کنند و چون بیشتر بطرز ایستائی به پدیده‌ها و مسائل اجتماعی می‌نگرند از درک ضرورت و تحول پدیده‌ها عاجز میمانند - آنان عملاً هر تحول و تغییری را نوعی بدعت تلقی کرده بسختی در برابر آن می‌ایستند - ریشه این نوع جرم گزائی در برداشت ایستا و ناپوی از اعتقاد به یک حقیقت ثابت جاودانی در عالم است از آنجا که هستی مطلق را وجودی ثابت و لاینفک میدانند ( بدیهی است که امر مطلق نمیتواند متحول باشد که تحول خود نشانه نفس و محدودیت است) لذا بی آنکه تفاوتی اساسی بین پدیده‌های محدود و وجود مطلق را در نظر داشته باشد - آن سکون و ثبات را عملاً به پدیده‌ها هم تسری میدهد و تغییر و حرکت و نوآوری را مخالف اعتقاد به اصول و مبنای ثابت تلقی می‌نمایند.

این تفکرات ریشه در روشهای شناخت ایستا و غیر پویای یونانی دارد که به فلسفه و طرز تفکر پویای اسلامی راه یافتند و تاثری عمیق بر ذهن و اندیشه فلاسفه و متفکرین مسلمان برجای گذاردند - اندیشه درست اسلامی حرکت و تحول پدیده‌ها را در کنار حقیقت ثابت جاودانی "توأم" می‌پذیرد و تناقضی در اعتقاد به دو اصل فوق نمی‌یابد - جهان در اندیشه اصحاب مدرسه و کیشیان قرون وسطائی یک حقیقت ثابت است -

کمال خلق کرده است و خدا احتیاجی به اصلاح و تغییر ندارد. کسی که به ضرورت تغییر معتقد است در کامل بودن خلقت خدا شک کرده است - دخالت انسان در امور اجتماعی و در طبیعت - دخالت در کار و نظم خدائی محسوب میشود. از این رو بیرون این طرز تفکر باهر تحول و تغییری مخالف اند و همه امور کهن را مقدس می‌شمارند، اصلاح و تغییر آنها را بدعت و کفر و زندقه تلقی میکنند. اجتهاد در این طرز تفکر جائی ندارد. برای بنسبتی به مقررات و قوانین و نظم جهان و حساسیت در برابر تحول یکی از جنبه‌های اساسی این نوع بمنش است. آنان نمیتوانند رابطه بین اصول و حقایق ثابت و پدیده‌های متحرک و متحول را درک کنند - بهیچ وجه از درک تحول اوضاع عاجزند - همیشه در عهد دقیانوس بسر می‌برند - رفتارشان با مخالفان رفتار با "کارو زندقه" است بی جهت نیست که علما قرون وسطائی صاحبان اندیشه‌های نورانجام الحاد و کفر، محاکمه و در آتش میسوزاندند نزد آنان مجهولی وجود ندارد که به کشف آن نیاز باشد - بر اساس چند اصل ثابت با استفاده از روش قیاس همه مجهولات نزد آنان معلوم گردیده است و چون همه پدیده‌ها و امور جهان ثابت و لاینفکند - مجهولات یکبار که بر عرصه شناسایی وارد گردیدند - برای همیشه معلوم باقی میمانند و احتیاجی به شناسایی مجدد آنان وجود ندارد.

ادامه دارد

## سرکوب سیاهپوستان محروم به چه جرمی است؟



زوهانسورگ: در بی نظاهرات و سورهای رحمکسان سیاهپوست افریقای جنوبی، ۲ اوتوسوس در منطقه سیاهپوست نشین در نزدیکی "پورت الیزابت" با کوکول مولوتف به آتش کشیده شد. پلیس برای متفرق کردن ۳۰۰ جوان تظاهر کننده که با سنگ حمله ور بودند، اقدام به تیراندازی نمود.

رویتر: در جریان درگیریها و خشونت‌هایی که دیشب در شهر گراهامزتون افریقای جنوبی رویداد، ۳ سیاهپوست کشته شدند. بگزارش پلیس این درگیریها پس از مراسم تشییع جنازه یک نوجوان سیاهپوست که او نیز در جریان یک درگیری کشته شده بود، آغاز شد.

اخبار سیاهان

زوهانسورگ: بدنیال نظاهرات کارگران سیاهپوست افریقای جنوبی که طی سومین روز متوالی ادامه دارد، حدود ۳۰۰۰ کارگر سیاهپوست به نظاهرات پرداخته و به پرناپ سنگ بسوی وسایط نقلیه میادرت نمودند. در پی دست از کار کشیدن این ۳۰۰۰ کارگر که بیشترین آنها را رانندگان وسایل نقلیه عمومی تشکیل میدهند شهر زوهانسورگ را با مشکلات فراوانی مواجه ساختند. در این نظاهرات یک پلیس و یک بازرس اوتوسوس به سختی مجروح شدند.

این نظاهرات بخاطر کسب اضافه دستمزد بوده و اعتراض به تبعیض نژادی و حکومت اقلیت سفید پوست بر اکثریت سیاه پوست میباشد در شهرگراهامزتون نیز در روز بزرگاری چهارمین سالگرد خونین درگیریهای دانش آموزان "سووتو" حدود ۳۴ نفر کشته و ۹۰ تن زخمی گردیدند.

## گنج سرمایه‌دار حاصل دسترنج کارگران است

### ادامه حملات به دفاتر جنبش در تهران و شهرستانها

در هفته گذشته علیرغم دستورات اکید دادستان کل کشور، حمله دستجات تحریک شده به دفاتر پخش آمت و طرفداران جنبش مسلمانان مبارز ادامه یافت.

تهران

حدود ساعت ۱۲/۲۰ شب عده‌ای با عبور از دیوار وارد دفتر هفته‌نامه آمت و ستاد جنبش مسلمانان مبارز در تهران شدند. آنان قصد اشغال ستاد را داشتند. برادران ما از آنان خواستند تا در باره علت اقدام خود توضیح بدهند، ضمن گفتگو معلوم شد که شخصاً دلیل واضحی برای حمله به دفتر ندارند، بلکه چون به آنها گفته شده بروید آمده‌اند، البته این تصور در ذهن آنان بود که دفتر یکی از گروه‌های ضدانقلاب را اشغال کرده‌اند، توضیحات بیشتر برادران ما و مشاهده عینی آنان از وضعیت دفتر و اخلاص و صداقت برادران سبب شد که غالباً به خطای خود بی‌برده از اینکه دفتر یک گروه اسلامی و در خط انقلاب را مورد تهاجم قرار داده‌اند، احساس پشیمانی کنند. آنان بعد از ۲ ساعت و نیم اقامت در دفتر و گفتگو با برادران حدود ساعت ۳ بعد از نیمه شب ستاد را ترک کردند.

ناگفته نماند که برادران ما بلافاصله بعد از وقوع حمله، جریان را به کمیته مرکزی، سپاه پاسداران، کلانتری و پلیس تهران اطلاع دادند و تقاضای رسیدگی و محافظت از دفتر نمودند که متأسفانه پاسخ همگی منفی بود. از آنجا که تصمیم به اشغال دفتر جنبش از قبل و از چند مرکز تحت اشغال سازمان داده شده بود، با تهدیدهای تلفنی که ادامه یافت، چون بیم حمله مجدد از جانب دستجات دیگر اشغال کنندگان میرفت برای پرهیز از هرنوع درگیری جریان به اطلاع دادستان کل کشور رسید و ایشان قول رسیدگی دادند، همچنین وزارت کشور را در جریان موقوف گذاشته و ستولان وزارت کشور در تماسهای بعدی از اینکه پلیس موقع همکاری و مراقبت نکرده‌است، اظهار تأسف کردند و برای شب‌های بعد مراقبت‌های لازم از طریق کلانتری محل بعمل آمد و تا این لحظه حادثه جدیدی در تهران رخ نداده است.

ساری

در ساعت یک باعداد، عده‌ای تحریک

شده به دفتر طرفداران جنبش در ساری هجوم برده، علاوه بر تخریب اثاثیه موجود، همه‌چیز حتی وسایل آشپزخانه را به همراه برده‌اند و علاوه دوفتر از برادران را بازداشت و تحویل سپاه پاسداران مدهند، مسئولان سپاه ضمن غدرخواهی از این عمل برادران را آزاد و دفتر هم اکنون در اختیار برادران ما در ساری است.

بلافاصله شکایتی از جانب برادران تنظیم و تقدیم دادستان انقلاب شده است. این نوع حملات معمولاً توسط افراد ساده و اغواشده صورت می‌گیرد. در اصل به تحریک عناصری است که ماهیت آنان بر ما بخوبی معلوم است که برادران و خواهران، در سراسر کشور موظفند از درگیری با مهاجمین که افسردگی بی‌اطلاع از مواضع جنبش میباشند، اجتناب کرده، حتی المقدور با توضیح کافی حقایق را به اطلاع آنان برسانند. به این افراد چنین وانمود شده است که جنبش یک گروه ضد انقلابی و منافق و برضد امام است و افکار مکتبی آن غیراسلامی است. برضد امام است. آنانرا از اشتباه بیرون آورده متوجه تحریکات عناصر مغرض و غیرمسئول بنمائید باید تاکیدات امام، دستورات دادستان انقلاب را یادآورشان کنید. و باتان بهممائید که عملشان به نفع دشمنان انقلاب است.

تجربه برادران در تهران نشان داد که غالب افراد مهاجم وقتی با حقیقت آشنا می‌شوند و از ماهیت جنبش و عملکرد ما در انقلاب و افکار مکتبی‌مان مطلع میگردند، بخطای خود اعتراف می‌نمایند.

از آنجا که وحدت جبهه خلق در برابر دشمن اهمیت بیشتری از حفظ دفاتر دارد و از آنجا که مبارزه مکتبی و ادای مسئولیت‌های انقلابی برای ما مشروط و مقید به داشتن ساختمان و دفتر نبوده، سالهای دراز بدون آن به مسئولیت خود عمل کرده‌ایم، لذا از هر نوع درگیری خصمانه با این افراد اجتناب ورزیده، تنها سعی کنید مقامات مسئول را به انجام مسئولیت‌شان وادار نمائید. ما امیدواریم که مسئولان کمیته‌ها و سپاه پاسداران و پلیس مفاد دستورالعمل دادستان کل کشور و نیز مصلحت انقلاب را برطبق رهنمودهای امام نصب‌العین قرار دهند و از اقدامات این نوع عناصر غیر-مسئول و تحریک‌شده جلوگیری بعمل آورند.

## مقوله‌های اساسی مکتب

بقیه از صفحه ۱

چگونگی زیستن و علت و غایت آنرا معلوم نمی‌کند. در تجربه نوع اول، انسان در رابطه با طبیعت بیجان و مواد و عناصر بیشتر قرار دارد و لذا آنچه کسب می‌کند، صرفاً در محدوده تواناییهای ذهنی و تجربی خویش است. در این شکل از تجربه بشر نمی‌تواند در مرحله معلوماتی، بیشتر از آنچه

در هر حال معلوم شد بشری‌تواند بی‌آنکه مستقیماً در تجربه شناخت شرکت جوید، به یک آگاهی دست یابد مانند وقتی که خبر وقوع حادثه‌ای مثلاً مرگ یک دوست را که در شهری دیگر اتفاق افتاده، برپایان می‌آورند و ما هم آنرا به عنوان یک حقیقت می‌پذیریم بی‌آنکه در صحت آن تردید کنیم. در حالیکه خود مستقیماً

### هر تجربه سازنده یک آگاهی است، و آگاهی بدست آمده در تجربه بعدی تأثیر می‌گذارد، لذا تجربیات عیناً تکرار نمی‌شوند بلکه هر بار انسان در جریان تجربه تازه‌ای قرار می‌گیرد.

تجربیات گذشته اقتضا می‌کند و ذهن و توان فکری وی امکان می‌دهد، بدست آورد و یا اضافه کند. بشر محدود در زمان و مکان است و تنها قادر به درک حقایقی است که در این محدوده قرار می‌گیرند.

بشر چگونه زیستن را در آغاز از تجربه عملی محدود خویش بدست نیاورده است. رابطه متقابل انسان با محیط طبیعی نمی‌تواند زیستن انسانی به بشر بیاموزد زیرا در این تجربیات چیزی اضافه بر آنچه در محیط طبیعی وجود دارد بدست نخواهد آمد. بشر از قبل چیزی نمی‌داند، در محیط وی یا مواد بیجان هستند، یا حیوانات. تجربه انسان در این محیط، که بعضی معتقدند صرفاً همین دسته تجربیات معلم بشراند، منحصر می‌تواند امور و روابطی را که موجود و محسوس‌اند، منتقل سازد و نه بیشتر. اگر تجربیاتی جز همین‌ها وجود نمی‌داشت، بشر در بهترین وضع خود، حیوان باهوشی بود که در زمینه "تأخر بقا" بردیگران سبقت می‌گرفت و چگونه زیستن وی همچنان "حیوانی" باقی می‌ماند.

اگر تجربه انسانی پایه شناخت است و شناخت راهنمای عمل، شناخت حاصل از تجربه نمی‌تواند حاوی معلوماتی خارج از محدوده آن تجربه‌ها باشد و در تکرار تجربه هم همان معلومات بدست آمده است، که مجدداً راهنمای عمل و تجربه بعدی قرار می‌گیرد. بدیهی است در هر تجربه تازه، روابط جدیدی کشف می‌شود اما این روابط و قواعد باز هم محدود به همان پدیده‌هاست و نه چیزی ورای آن.

اگر انسان تنها موجود ذیشعور در هستی بود و جز با عناصر و موجودات لاشعور سرو کار نداشت و رابطه او محدود به پدیده‌های مادی محیط باقی می‌ماند، چنانکه گفتیم برتری انسان بر دیگر حیوانات تنها در قدرت ابزارسازی و آگاه شدن بر امور و انتخاب و اختیار بروز می‌کرد، اما از

شاهد و ناظر این حادثه نبودیم. عاملی که سبب می‌شود این خبر را حقیقت بدانیم علاوه بر اطمینان به روایت‌کننده خبر، که خود طی تجربیات متعدد بدست آمده، این نکته است که هر آن قادریم صحت این واقع را مشخصاً آزمایش کنیم و ارزیابی کنیم.

بدین نحو آگاهی‌های بدست آمده در جریان عمل و تجربه، عمیق‌تر می‌شوند. هر تجربه سازنده یک آگاهی است و آگاهی بدست آمده در تجربه بعدی تأثیر می‌گذارد لذا تجربیات هرگز عیناً تکرار نمی‌شوند بلکه هر بار انسان در جریان تجربه تازه‌ای قرار می‌گیرد.

عمل همانند شناخت دو نوع است، یکی عملی که تابع شناخت غیرحقیقی است و دیگری عملی که متأثر از شناخت حقیقی است. نوع اخیر را عمل صحیح می‌گوئیم، عمل در هر حال تابع شناخت است. البته اعمال غریزی را مستثنی می‌کنیم. اعمال ارادی انسان از شناخت و آگاهی فرد تبعیت می‌کنند. البته هر عملی زائیده یک انگیزه یا تمایل درونی است، میل به غذا، دفاع از جان، ترس، عشق و انواع دیگر انگیزه‌ها محرک اعمال انسان‌اند. لکن نوع و شکل عمل از کیفیت شناخت و آگاهی شخص متأثر می‌شود. اعمال طفل در آغاز غریزی است، تدریجاً که شناخت نسبت به جهان خارج پیدا می‌کند، اعمال ارادی هم آغاز می‌شود. می‌شود گفت که هر عمل ارادی که در طفل سر می‌زند، جهت آن از معرفت وی تبعیت می‌کند. البته شناخت را تجربه تعریف کردیم، یعنی خود فی‌نفسه یک عمل است. اما فرق است بین دیدن چهره مادر، احساس آشنایی گرمی آغوش مادر یا کتین صدای وی، تا اعمال ارادی که تدریجاً در طفل سر خواهد زد. می‌بینیم که عمل به معنایی که انسان بطور ارادی انجام می‌دهد، بطور قطع متأثر از شناخت اولیاست که بدست آورده، منتهی هر عمل شناخت قبلی را تصحیح و تعالی می‌دهد. اما اگر عمل را بمعنای عام، یعنی هر نوع تجربه انسانی بگیریم، در اینصورت همانطور که گفته شد، پایه اساسی شناخت عمل یا تجربه است.

تجربه بمعنای برقراری یک رابطه متقابل و مقابل با محیط، وقتی صحبت از عمل و تجربه به عنوان پایه شناخت می‌شود، این سوال مطرح می‌شود که چه نوع عمل و تجربیاتی پایه شناخت است. دیدیم که ساده‌ترین تجربیات بشر در زمینه صیانت نفس، دفاع از خود، تولید مثل، یافتن پناهگاه و جمع‌آوری غذا و نظایر آن، در رابطه با محیط طبیعی، آگاهی‌هایی نسبت به پدیده‌های محیط به انسان می‌دهند. این آگاهی‌ها مستقیماً محصول تجربه بشر بر روی پدیده‌های طبیعی و تنها از همین رابطه متقابل (بین انسان و محیط مادی) برمی‌خیزند. این تجربیات در جریان انتقال و انباشته شدن به رشد و توسعه معلومات و پیدایش علوم طبیعی و در کنار آن تکامل ابزارسازی و ظهور فنون پیشرفته می‌انجامد.

در این روند تجربی، اولین محرک انسان در برخورد با طبیعت و قرار گرفتن در جریان اولین تجربیات همان علائق و تمایلات طبیعی میباشند. اما آنچه مسلم است، این تجربیات، مستقیماً آگاهی‌هایی در پاسخ سؤالی‌های نظیر علل و چرایی‌ها و وقایع، موقعیت شخص در هستی و مسئولیتها و ارزشها در اختیار نمی‌گذارد. نوع دیگری از تجربه لازم بوده است تا بشر به چنان آگاهی‌هایی دست یابد. دستاوردهای تجربیات حسی (علوم طبیعی) بشر را در بهره‌برداری از طبیعت و مهار کردن نیروهای آن یاری می‌کند ولی

حیوانات ناآشنا است. انسان همانند حیوانات با سیر شدن و بودن در پناهگاه و محیط امن، به آرامش کامل دست نمی‌یابد. ناگرسنه و جایش در معرض تهدید قرار دارد، اندیشهای جز بدست آوردن غذا و نجات جان ندارد، اما پس از آن نیازهای دیگری سر بلند می‌کنند که در محیط وی سابقه ندارد. ممکن است چگونگی صید کردن و خانه‌ساختن را ابتدا از طرز شکار و لانه‌سازی حیوانات فرا گیرد و سپس کمک هوش خود تکمیل کند، اما چگونگی رفع نیازهای معنوی و روحی را از که بیاموزد؟ تجربه او با محیط مادی و حیوانی در این زمینه هیچ گنگی نمی‌کند، معلوماتی هم در این زمینه از پیش در فطرت و در ذهن خود ندارد.

اما هر نیاز طبیعی پاسخی در هستی دارد. احتیاج به زنده ماندن یک امر طبیعی است. راه‌های زنده ماندن را می‌شود با تجربه در محیط طبیعی آموخت، احتیاج به خودآگاه شدن و تعالی روح و داشتن هدف و معنا و ایده‌آل در زندگی را هم باید ضمن تجربه و رابطه با یک عنصر ذیشعور و با روح بدست آورد. اگر جهان یکباره ذیشعور و بیروح و فاقد معنا و هدف و ایده‌آل بود، در اصل انسان هم چنین نیازهایی نمی‌داشت و اگر هم داشت، راهی برای تأمین آنها نمی‌یافت.

راه‌های انسان در پاسخگویی به این نیازها شناختی است که باید از تجربه با آن دنیا بی‌ذیشعور کسب کند. این همان تجربه شناختن روحی است که طی آن رابطه‌ای بین خدا، آن وجود مطلق و واحد ذیشعور و انسان برقرار می‌شود و در جریان این ارتباطان معرفت‌هایی و پاسخ‌هایی در برابر نیازهای خود بدست می‌آورد. در این تجربه انسان (پیامبر) در رابطه با واقعیت واحد مطلق هستی قرار می‌گیرد که عین شعور و آگاهی و خلاقیت است. از این رو پاسخی که برای حل نیازهای انسان می‌گیرد، چون تطابق کامل با واقعیت هستی دارد، بر خلاف شناخت‌های معمولی نسبی نبوده، بلکه مطلق است، یعنی کاملاً حقیقی هستند.

پس درست است که شناخت حاصل از وحی هم محصول تجربه است، اما اولاً این تجربه که برای پیامبر رخ می‌دهد، با تجربه معمولی بشر تفاوت دارد، ثانیاً شناخت حاصل از آن کاملاً حقیقی است یعنی با واقعیت مستقل از ذهن تطابق و هماهنگی کامل دارد، ثالثاً محتوای این شناخت و معرفت معلوماتی است که بشر قادر نبود از طریق تجربیات و عمل معمولی

### اگر تجربه انسانی پایه شناخت است و شناخت راهنمای، شناخت حاصل از تجربه نمیتواند حاوی معلوماتی خارج از محدوده آن تجربه‌ها باشد

خود در محیط مادی و طبیعی بدست آورد. ادامه دارد



انسان در جستجوی آق‌های وسیعتری در مفهوم حیات است، نمی‌تواند نسبت به پدیده‌هایی چون مرگ، بی‌اعتنا بماند. حیوانات دیگر درباره مرگ نمی‌اندیشند و نگران آن نیستند. آنها آینده‌نگر نمی‌باشند و هرگز دچار اضطراب‌های انسانی نمی‌شوند احساس تنهایی که گاه به انسان با شعور در میان جهانی بی‌شعور دست می‌دهد، برای

## سالروز شهادت مهندس نیکبخت

در ۱۶ مرداد سال ۱۳۵۸، دست آمریکا از آستین خوانین و مزدورانش - در منطقه سیستان و بلوچستان بیرون آمد و برادران مهندس نیک بخت و امام بخش‌ریگی را در خون سرخشان غوطه ور ساخت.

برادر شهید مهندس نیکبخت از استادان مبارز و از هواداران جنبش مسلمانان مبارز بود. او پس از فرمان امام و تشکیل جهاد سازندگی، با عشق سرشار و باتمام وجود به کمک مردم سیستان و بلوچستان - که یکی از محرومترین استان‌های کشور است - شرافت و در همین رابطه اجرای طرح جهاد سازندگی را در منطقه، عهده دار شد.

با شروع عملیات جهاد سازندگی، خوانین منطقه که اجرای طرح‌های سازنده و انقلابی را بضرر خود می‌دیدند، اقدام به توطئه و کارشکنی در این امر نمودند تا از پیاده شدن طرح‌ها جلوگیری کرده و از طرف دیگر، با بوجود آوردن جو اغتشاش زمینه را برای حکومت آریاباشان آمریکا، فراهم سازند.

در ۱۶ مرداد، هنگامیکه برادران مهندس نیکبخت و امام بخش‌ریگی آموزگار استان سیستان و بلوچستان به‌همراه دوتن از دانشجویان، در جاده خاش عازم اجرای طرح جهاد سازندگی بودند، یکی از توطئه‌های شیطانی مزدوران آمریکا شکل گرفت و در اثر حمله و سوء قصد چند تن مهاجم، برادران مهندس نیکبخت، و امام بخش‌ریگی به شهادت رسیدند.

این برادران با ایثار جان خود، مسئولیت خود را نسبت به خدا و خلق ادا نمودند و گام محکمی در جهت تحقق حاکمیت مستضعفین و محرومان تاریخ برداشتند.

یادشان گرامی  
راهشان پایدار باد

## برگزاری سخنرانی در تبریز



بنام خدا

۵۹/۵/۱۲  
برگزاری سخنرانی توسط هواداران جنبش مسلمانان مبارز تبریز

بمناسبت سالروز شهادت امام علی (ع) دو سخنرانی در تبریز توسط برادر حسن افتخار برگزار شد. عنوان سخنرانی اول "خط امام علی، خط امام، خط آمریکا" بود که در مسجد سید حمزه تبریز ایراد شد. این برنامه سخنرانی با استقبال وسیع جوانان مسلمان روبرو گردید. در این برنامه سخنران ضمن برشمردن شرایط حاکم در روزگار پدیرش مسئولیت خطیر رهبری از سوی امام علی به تضاد پدید آمده در میان ماهیت نهضت پیامبر و نظامی که بنام اسلام در حال شکل گرفتن بود پرداخت و شیوه‌های مکتبی امام علی را در رویارویی با انحرافی که بسیاری از نهضتها در طول تاریخ به آن گرفتار شده‌اند برشمرد. وی سپس به تشریح نقش امام خمینی در مرحله فعلی انقلابیان پرداخت و در همین رابطه استراتژی آمریکا را در برخورد با امام و خط امام تشریح کرد. در همین سخنرانی دکتر افتخار ضمن اشاره بوقایع سالهای ۳۱ و ۳۲ به نقش مردم در صحنه مبارزات سیاسی مکتبی اشاره کرد و راه مقابله بانوطئه‌های آمریکا را از طریق بسیج همه توده‌های مستضعف برهبری امام بر علیه پایگاه‌های امپریالیسم در داخل کشور برشمرد. سخنرانی دوم تحت عنوان ضد انقلاب و شیوه‌های مبارزه با آن بود که در مسجد المهدی تبریز انجام شد. در این سخنرانی مرزهای میان انقلاب و ضدانقلاب و افشاء شکل و سازماندهی ضد انقلاب بررسی و شیوه برخورد با آنها در شرایط بعد از پیروزی ۲۲ بهمن تشریح شد.

### بیت المقدس در چنگال اسرائیل کمک می طلبد



خبرگزاری فرانسه: در حدود ۳۰۰ تن از اعضا خانواده زندانیان فلسطینی در حال اعتصاب غذا به تظاهرات در مقابل کانون روزنامه نگاران در بیت المقدس پرداختند. این برای اولین بار میباشد که عربها در قسمت غربی بیت المقدس که منطقه یهودی نشین است دست به تظاهرات میزنند.

سازمان ملل: در اجلاس ویژه فوق العاده‌ای که مجمع عمومی سازمان ملل درباره فلسطین تشکیل داده بود، ۱۱۲ کشور خواستار رعایت حقوق ملت فلسطین و خروج نیروهای اسرائیلی از سرزمینهای اشغال شده گردیدند.

وفا: دهها تن از شهرنشینان فلسطینی شهر اشغال شده نابلس، که از بستگان مبارزان زندانی در زندان صحرایی نفعه هستند دیروز به نشانه همبستگی با فرزندان خود در مقر صلیب سرخ جهانی شهر نابلس متحصن شدند. در بیانیه‌ای که طی این تحصن از طرف متحصنین صادر گردید، شکنجه وحشیانه مبارزان زندانی در نفعه از سوی صهیونیستها به شدت مورد نکوهش قرار گرفت.

خبرگزاری فرانسه: به رأی نهائی پارلمان اسرائیل، بیت المقدس پایتخت ابدی و جدائی ناپذیر اسرائیل شد. براساس این رأی گیری نهائی بخش اشغال شده شرقی شهر بیز که بعد از جنگ ۶۷ به جنگ اسرائیل افتاد، رسماً

### تظاهرات و دستگیری دانشجویان در آمریکا

در بی تظاهراتی که ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی در آن شرکت داشتند، پلیس آمریکا ۱۶۹ تن از تظاهرکنندگان را دستگیر و زندانی نمود و اظهار داشت که قصد محاکمه آنها را دارد. این تظاهرات در پاسخ تظاهراتی بود که هواداران شاه مخلوع در ابراز تأسف برای مرگ وی براه انداخته بودند. در این تظاهرات، پلیس امریکامحافظت از هواداران شاه را بر عهده گرفته بود.

### امپریالیسم در پی ترمیم خویش

آسوشیتدپرس: جوزف سیسکو معاون سابق وزارت امور خارجه آمریکا گفت: تقویت اخیر نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس یک برنامه موقتی نیست. سیسکو که پس از سفر به چند کشور خاورمیانه وارد اسرائیل شد، گفت: من فکر میکنم آمریکا بطور همه جانبه و سیستماتیک میکوشد توانائی نظامی خود را بطور دائمی در خلیج فارس حفظ کند.

خبرگزاری فرانسه: منابع نزدیک به وزارت دفاع آمریکا اعلام کردند دولت ایالات متحده تلاشهای دوبارهای را برای دست یافتن به پایگاههای سوماتی آغاز کرده است. از هنگامی که اتحاد شوروی دست به اشغال نظامی افغانستان زده است استراتژیستهای در جستجوی پایگاههای تازه‌ای در اقیانوس هند باشد. کشورهای عمان و کنیا قبلاً موافقت کرده‌اند که به آمریکا اجازه میدهند که از پایگاههای نظامی آنان استفاده کند. براساس گزارشات رسیده یک واحد ۱۸۰۰ نفره از تفنگداران دریائی آمریکا هفته گذشته وارد بندر مومباسا در کنیا شدند.

یونایتدپرس: وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که با فروش موتورهای جت برای کشتی‌های جنگی عراقی موافقت کرده‌است فروش این موتورها که در حال ساختن هستند، قبلاً بسا اعتراضات گسترده کنتره آمریکا مواجه شده بود. وزارت خارجه آمریکا در یک اعلامیه پیرامون این مسئله جنجالی اظهار داشت: این تصمیم به دقت مورد بررسی قرار گرفته و به صلاح سیاست کلی خارجی مانیست که گواهی صادرات آنرا لغو کنیم. این گواهی صادرات برای ۸ موتور جت است که سوسیله جنرال الکتریک ساخته شده است و قرارداد آن بالغ بر ۱۱/۲ میلیون دلار است.

خبرگزاری فرانسه: وزیر دفاع مصر اعلام داشت: حسنی مبارک معاون ریاست جمهوری مصر و دیوید مک گوئی از مقامات آمریکا، تا مین سلاح‌های جدید امریکائی برای مصر را مورد بررسی قرار دادند. لازم به تذکر است که آمریکا متعهد شده است در ۵ سال آینده چهار میلیارد دلار سلاح به مصر تحویل دهد.

رویتز: کابینه ژاپن ۹۶۰ میلیون دلار به بودجه امور دفاعی سال آینده خودافزوده است. امریکائیکه از ژاپن خواسته بود تا به برنامه اصلاح سیستم دفاعی خود سرعت بخشد، این درخواست پس از گسترش استحکامات شوروی در آسیای دور انجام گرفته بود.

تاس: انریک آلوارز رئیس جبهه دموکراتیک انقلابی السالوادور، طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: تنها بلطف ارتش و حمایت دولت امریکاست که هیئت حاکمه ابراز دارند. مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکاست پیروز باد مبارزات آزادیبخش مستضعفین جهان دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز دانشگاهها و مدارس عالی تهران

### درگیریهای مرزی ایران و عراق

در درگیریهای ارتش ایران و عراق، نیروهای بعث عراق در نوار مرزی بستان، با سلاحهای سنگین و توپخانه باسگه سوله را در خاک ایران زیرآتش گرفتند. همچنین در طی این درگیری، تاسسات نفتی یاخیل عراق در نبرد با ما موران ایرانی به آتش کشیده شد.

در قصرشرین، جبهه دیگری از نبرد، یاسداران و ارتش، نیروهای ارتش عراق را که مجهز به تانک بودند مجبور به عقب نشینی ساختند. در اثر این حملات، ارتش بعث عراق با شلیک توپخانه سنگین خود، لوله چاه شماره ۹ نفت شهر و منبع آب کتاب نو و نفت شهر را منفرج نمود.

طی این درگیریها تا کنون یک سرباز عراقی بنام حسون از مرز باوسی به خاک ایران بانهنده شده است. این زرد خوردنها ادامه درگیری هائی است که از چند ماه قبل بین ارتش ایران و حکومت متجاوز عراق شروع شده است.

انفجار بمب در اهواز: در بی انفجارخونین صبح چهارشنبه ۸ مرداد در اهواز ۸ نفر کشته و ۴۶ نفر مجروح گردیدند. این واقعه در اثر انفجار یک بمب قوی در خیابان دکتر شریعتی اهواز و اطراف چهار راه امام خمینی رخ داد. در این انفجار علاوه بر کشته شدن و مجروح گردیدن تعداد زیادی از عابران بی گناه، به دو اتومبیل آسیب رسیده و شیشه‌های یک هتل و مغازه‌های اطراف خورد شد. این انفجار تا شعاع ۲۰۰ متری خساراتی ببار آورد.

پس از شکست مفتضحانه طیس، در روزهای بعد از آن شاهد حملات مسلحانه نیروهای ضد انقلاب به محلهائی چون جاسوخانه و انفجارات بمب در نقاط کشور بودیم. اینبار نیز پس از کشف توطئه اخیر کودتا، توسط برادران سپاه و نیروهای مؤمن به انقلاب نیروی هوائی، ضد انفجار زخم خورده به خرابکاری و ایجاد ناراضیاتی عمومی و کشتار مردم اقدام می نماید. اما متأسفانه مشاهده میشود با وجود تاکید امام، تعدادی از عوامل کودتا که نقش اصلی داشته‌اند هنوز به جزای خویش نرسیده و مطمئناً همانها هستند که شکل ضدانقلاب و هدایت آنها را در اجرای این اعمال بعهدہ دارند. در صورتیکه برخورد قاطع با آنها بعمل نیاید، همچنان به تجاوزات و جنایات خود ادامه میدهند و خون مردم بیگناه را میریزند.

هبوطان مبارز: لطفاً و جوه نشریه امت و همچنین کتکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۳ خیابان استاد مطهری چهارم مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را بدفترت ارسال دارید. متشکریم خواهران و برادران مبارز خارج از کشور برای ادامه نشر و توزیع امت و جوه نشریات ارسالی را هرچه زودتر پرداخت نمایند. بانشر - امر مالی و توزیع

نشریه جنبش مسلمانان مبارز

### بدون بسیج اصولی توده‌ها؛ حل ریشه‌ای بحران اقتصادی ممکن نیست